

سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه

متن کامل نشست تخصصی ارزیابی سیاست‌های مدیریت آب در ایران: اهداف تحقق نیافته

«باید درباره آب گفت و گو کنیم.»

انجمن مطالعات فرهنگی و
ارتباطات

اندیشکده تدبیر آب ایران

انجمن جامعه‌شناسی ایران

مرکز بررسی‌های استراتژیک
ریاست جمهوری

آبان‌ماه ۱۳۹۳



سرفصل مطالب:

۱. طرح موضوع - دکتر محمد فاضلی، معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ۳
۲. آقای مهندس انوش اسفندیاری (عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران) ۷
۳. آقای مهندس عباسقلی جهانی، قائم‌مقام شرکت مهندسین مشاور بهان سد ۲۶
۴. جمع بندی اولیه: آقای فاضلی ۳۶
۵. آقای مهندس جعفر غفاری شیروان ۳۸
۶. آقای محمد حسین شریعتمدار ۴۲
۷. آقای مهندس مهرداد محمدپور ۴۷
۸. پرسش و پاسخ ۵۴

مقدمه:

نشست تخصصی اول از سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه با عنوان «ارزیابی سیاست‌های مدیریت منابع آب در ایران: اهداف تحقق‌نیافته» روز چهارشنبه مورخ ۷ آبان‌ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۷ در تالار مطهری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

این نشست با سخنرانی آقایان انوش نوری اسفندیاری (عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران) و عباسقلی جهانی (قائم مقام مدیر عامل شرکت مهندسين مشاور بهان سد) و با حضور آقایان جعفر غفاری شیروان (عضو هیئت مدیره انجمن مهندسی منابع آب)، محمد حسین شریعتمدار (رئیس دفتر ساماندهی و مطالعات کشاورزی اتاق ایران) و آقای مهرداد محمدپور (مشاور معاونت آب و آبنمای وزارت نیرو و عضو شورای عالی آب) به عنوان اعضای پانل برگزار گردید.

این نشست در صدد پاسخ به سه پرسش زیر برگزار گردید:

۱. آیا در برنامه‌های توسعه ۵ ساله کشور در دهه‌های گذشته، تدابیری برای پیش‌بینی و پیش‌گیری شرایط بحرانی موجود در آب در نظام برنامه‌ریزی دیده نشده بود؟
۲. چه تدابیری پیش‌بینی شده‌ای می‌توانستند بیشترین تاثیر را در مهار یا تخفیف آثار بحران آب داشته باشند؟
۳. چرا تدابیر پیش‌بینی شده نتوانستند به هدف‌های خود دست پیدا کنند؟

۱. طرح موضوع- دکتر محمد فاضلی، معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک

ریاست جمهوری

۱۴ نشست تحت عنوان آب، فرهنگ جامعه با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران، اندیشکده تدبیر آب ایران و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات به عنوان نهادهای مدنی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری به عنوان نهاد دولتی تا انتهای سال ۹۳ طراحی شده‌اند تا موضوع بسیار حیاتی برای تمدن ایرانی یعنی موضوع آب را به بحث عمومی بگذارند و یک گفتگوی اجتماعی درباره مقوله آب در بگیرد.

آنچه که در اولین جلسه اتفاق افتاد استقبال خوبی شد. مجموعه گفتگویی خوبی هم بین حضار و هم بین متخصصانی که در جمع حضور داشتند صورت گرفت. امید ما این است که این مجموعه گفتگوها ادامه پیدا کند و هم در حین گفتگوها و هم در انتها بتوانیم جمع‌بندی خوبی از مسائل حوزه آب در ایران داشته باشیم و ضمن افزایش آگاهی نسبت به مقوله آب در سطح عمومی، در سطح رسانه‌ها و در همه حوزه‌ها، به مجموعه‌ای از پیشنهادهای سیاستی برای ارائه به سیاستگذاران و مجموعه‌ای از دستورکارها برای پژوهش‌ها در دانشگاه رسیده باشیم.

من به عنوان نماینده مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، چند نکته را نسبت به نشست اول لازم می‌دانم دوباره تکرار کنم و بعد بحث را با دعوت از سخنرانان شروع کنیم.

نکته اول این است که آن چه که در این گفتگوها طرح می‌شود، نگاه و دیدگاه تخصصی هیچ کدام از چهار نهاد برگزارکننده گفتگو نیست. ما -سه نهاد مدنی و یک نهاد دولتی- سعی کردیم زمینه‌ای فراهم کنیم تا بقیه بیایند و حرف‌هایشان را بزنند. من در سه هفته گذشته سایت‌ها را رصد کردم و دیدم گفتند افرادی وابسته به مرکز بررسی‌ها و افرادی وابسته به مرکز..... آمده‌اند و مثلاً کشاورزی و امنیت غذایی را زیر سؤال برده‌اند. اینها به هیچ عنوان نظر

مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری نیست. نظر هیچ کدام از سه نهاد دیگر هم نیست. هر کدام از افرادی که این جا حرف می‌زنند به شأن شخصیت حقیقت‌شان و تخصصشان در این جا حضور دارند و صحبت می‌کنند.

نکته دوم؛ ما اصلاً دنبال گفتگوی یک طرفه نیستیم. یک نفر گفته بود که برویم با هم بحث منطقی کنیم و هر چه من گفتیم قبول کنید. قرار نیست ما با هم بحث منطقی کنیم و گفتگو یک طرفه باشد. به همین خاطر ما در اولین اعلان این برنامه هم گفتیم از همه متخصصان کشور که در زمینه آب حرفی دارند، پژوهشی کردند، فکر می‌کنند ایده‌ای دارند و کارنامه‌ای در حوزه آب دارند دعوت می‌کنیم درخواست سخنرانی‌شان و درخواست پیوستن به این گفتگوها و قرار گرفتن در این گفتگو را، یا به اندیشکده تدبیر آب که دبیرخانه این گفتگوها در این جا مستقر است و یا به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری بفرستند. ما آن‌ها را در فهرست گفتگوها قرار می‌دهیم و در این پنل‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

نکته سوم؛ این سخنرانی‌ها می‌تواند غیر از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در جاهای دیگری هم برگزار شود. ما در همین سه هفته حداقل از سه استان درخواست داشتیم تا این گفتگوها در دانشگاه مرکز استان برگزار بشود و به مسائل تخصصی آب در آن استان پرداخته شود.

از همه محققان کشور دعوت می‌شود به این مجموعه بپیوندند و مسائل آب بومی خود را مطرح کنند چون قطعاً مسائل آب در کرمان با ایلام و استان‌های شمالی ما متفاوت است. بنابراین ما اصلاً نمی‌خواهیم گفتگوها تنها متمرکز در تهران باشد. با یادآوری این چند نکته، من اجازه می‌خواهم تا سخنرانان این نشست را معرفی بکنم.

آقای مهندس انوش نوری اسفندیاری؛ فارغ التحصیل رشته اقتصاد کشاورزی از دانشگاه پردو امریکا در مقطع کارشناسی ارشد هستند؛ سال‌ها سابقه فعالیت در مشاور مهندسی مشاور مه‌اب قدس و حوزه ستادی وزارت نیرو را دارند؛ سه کتاب تألیف کردند و سه ترجمه در حوزه‌های آب دارند، و در حال حاضر عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران هستند.

آقای عباسقلی جهانی؛ کارشناسی ارشدشان را در رشته مهندسی منابع آب از دانشگاه تهران گرفتند و سابقه ۱۰ سال تدریس در موسسه آب شناسی ایران و سایر دانشگاهها دارند. مدیر بخش منابع آب و امور سدسازی مشاور مهندسی مشاور مهتاب قدس بودند و ۱۵ سال هم مدیر کل دفتر بررسی های منابع آب وزارت نیرو بودند.

آقای محمدحسین شریعتمداری؛ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد زراعت از دانشگاه شیراز هستند. فعالیت حرفه ای خود را از سال ۴۴ شروع کردند و سابقه فعالیت در حوزه کشاورزی در استان فارس و در وزارت جهاد کشاورزی دارند.

آقای جعفر غفاری شیروان؛ کارشناسی مهندسی منابع آب از دانشگاه پلی تکنیک و کارشناسی ارشد از انگلستان دارد. سالها در حوزه آب و به عنوان کارشناس استاندارد و مدیر امور برنامه ریزی و استاندارد آب در وزارت نیرو خدمت کردند.

جناب آقای مهرداد محمدپور؛ در رشته کارشناسی مهندسی عمران آب و کارشناسی ارشد خودشان را در حوزه مدیریت اجرایی اخذ کردند و سالها مدیرعامل شرکت های بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی بودند و ۹ سال مدیرعامل شرکت آب منطقه ای بودند. در حال حاضر هم مشاور معاون آب و آبفای وزارت نیرو و عضو دبیرخانه شورای عالی آب هستند.

طراحی نشست امروز به این گونه است که دو نفر از عزیزان سخنرانی می کنند و خلاصه بررسی و پژوهش خود را ارائه می کنند و دو نفر دیگر از عزیزان که در این پنل حضور دارند به عنوان داور و بحث کننده و ناقد و منتقد مباحث خواهند بود. یک ساعت از بحثها به سخنرانیها اختصاص یافته، یک ساعت به نقدها و یک ساعت را به بحث و گفتگوی حضار با سخنوران و منتقدین اختصاص دادیم. برای اینکه سئوالات تکراری نبوده و خلاصه تر مطرح شوند، من به عنوان تسهیل گر بحث مجموعه سئوالات را در قالب چند سؤال مشخص می پرسم و اگر در انتهای بحث سئوالی طرح نشده باقیمانده ماند، بحث را پیش خواهیم برد. امیدوارم به این شکل هم منتقدین را وارد بحث سخنرانان کرده باشیم و هم حوزه گفتگو را بین حضار و مجموعه متخصصان بسط داده باشیم.

انوش نوری اسفندیاری، به عنوان اولین سخنران این جلسه، مباحث خود را در پنج بخش «آب، جامعه و توسعه»، «بحران آب در کشور»، «اسناد چاره‌اندیشی آب»، «درباره سیاست‌ها» و «نتیجه‌گیری و بررسی پاسخ‌های احتمالی» مطرح خواهند کرد.

۲. آقای مهندس انوش اسفندیاری (عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران)

خدمت اعضای پنل و حضار محترم سلام و عرض ادب دارم. صحبت من راجع به سیاست‌های مدیریت آب در ایران و هدف‌های تحقق نیافته آب است. در سال آخر اجرای قانون برنامه پنجم هستیم و تدارک برنامه ششم در دست انجام است و معمولاً تعدادی از مدیران و کارشناسان هر بخش از جمله آب در تدارک برنامه هستند. در یک محیط و دایره محدودی این کار را انجام می‌دهند و بعد به عنوان لایحه به مجلس تقدیم می‌شود و تشریفات قضیه انجام می‌گیرد. اما برگزاری این نشست که محیط بازتری را برای ارزیابی سیاست‌ها فراهم می‌کند طبیعتاً یک نگرش جدید و یک نگاه جدید در جریان برنامه هست. سیاست‌هایی که امروز مطرح می‌شود احتمال زیادی دارد که مجدداً در برنامه ششم مورد توجه قرار بگیرد و شانس اینکه این سیاست‌ها در بیرون از دستگاه‌های اجرایی نقد ریشه‌ای شود کمتر وجود دارد. امیدواریم که جلسه امروز این فرصت را فراهم نماید که از خرد جمعی بیشتر استفاده شود. صحبت‌های من در حد طرح مسئله است و سعی می‌کنم زوایایی را مطرح کنم که در بحث‌های بعدی به ترتیبی که آقای فاضلی گفتند، گفتگو باز بشود.

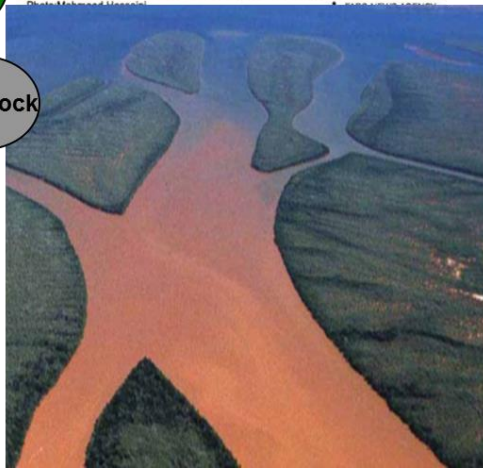
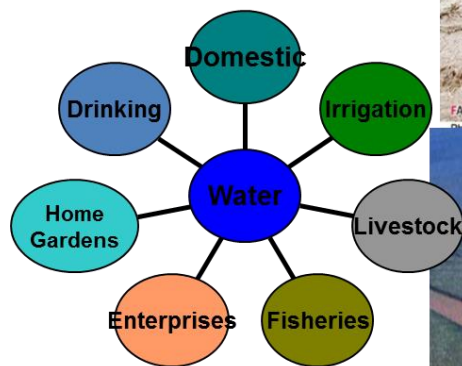
مطالب در ۵ بخش خدمت شما ارائه می‌شود. ۱- آب، جامعه و توسعه، ۲- بحران آب در کشور، ۳- اسناد چاره‌اندیشی آب، ۴- درباره سیاست‌ها و ۵- نتیجه‌گیری و بررسی پاسخ‌های احتمالی.

در بخش اول معیارها و ضوابطی درباره مدیریت آب ارائه و اهمیت سیاست‌ها مطرح می‌شود. بعد به وضعیت بحران آب در کشور و نشانگرهای تأییدکننده این شرایط می‌پردازیم و اینکه چه عواملی باعث ایجاد این بحران شده‌اند. با توجه به شناخت این عوامل، سوالاتی را در نظام برنامه‌ای کشور در حوزه آب جستجو می‌کنیم که قبلاً چه تدابیری برای کنترل این عوامل دیده شده بود؟ بعد سیاست‌ها را معرفی می‌کنیم، چالش‌های مرتبط با سیاست‌ها و اسناد این سیاست‌ها در قوانین برنامه در بخش «درباره سیاست‌ها» مطرح می‌شود و در انتها نتیجه‌گیری از نظر پاسخ‌های احتمالی به سوالات محوری این نشست خواهیم داشت.

همانطور که گفته شد شروع صحبت ما با ارائه ملاک‌هایی هست که در ۴۰-۵۰ سال گذشته در تراز جهانی در ارتباط با مدیریت آب مطرح شده و اینکه سیاست‌های آب چه جایگاهی در جهت‌گیری‌های شیوه جدید مدیریت

آب در جامعه دارد. الفبای مدیریت آب جدید توجه به منابع آب تجدیدپذیر و چرخه آب است. چرخه آب در واقع، منابع آب تجدیدپذیر را برای ساکنین جوامع فراهم می کند و سازوکاری است که بدون هزینه، به کمک انرژی خورشید بخش بسیار ناچیزی از ذخایر آب را در سطح کره زمین توزیع می کند و با طبیعت، توده های آب و هوایی، کوه ها، دشت ها و ذخایر آبی ارتباط دارد.

جامعه انسانی با چرخه آب و ذخایر آب پیوندها و ارتباط چندگانه ای دارد که به طور معمول آن را به ۳ بخش تقسیم می کنند. انواع بهره برداری ها، انواع مخاطرات و سوانح طبیعی و خدمات زیست محیطی. در سمت چپ



تصویر، یک شکل خوشه ای در ارتباط با قطره آب را می بینید که نمادی است که انواع بهره برداری از آب را مشخص می کند.

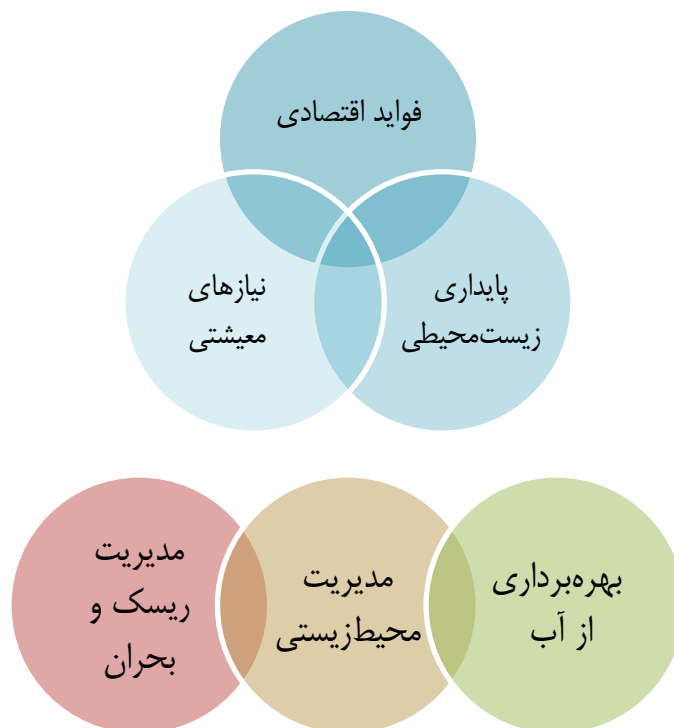
تصویری که به صورت سیلاب شهری می بینید نمادی است برای مخاطراتی که در ارتباط با آب مطرح است و

تصویری از مصب یک رودخانه را می بینید خدمات زیست محیطی است که در محیط آبی در اختیار جوامع انسانی و سایر جانداران قرار می گیرد.

جوامع مختلف زیرساخت هایی را ایجاد می کنند تا این سه نوع جنبه ای که از نظر ارتباطی، بین جامعه و آب مطرح است را مدیریت کنند. هم مدیریت مخاطرات و هم استفاده از خدمات زیست محیطی و هم انواع بهره برداری ها.

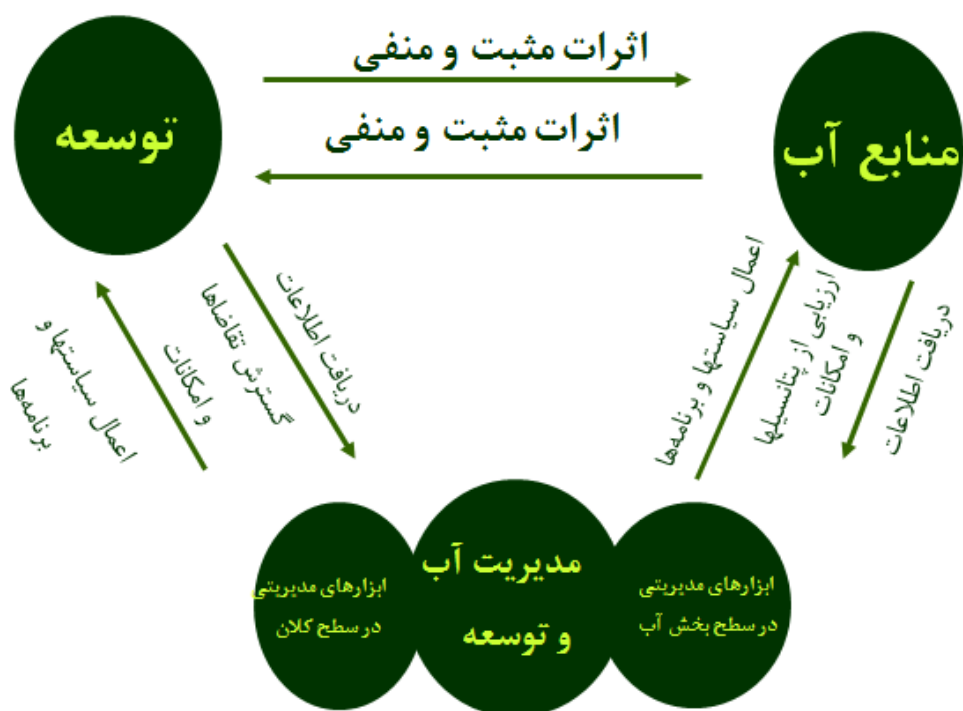
مجموعه این عوامل باعث می‌شود که مدیریت آب نقش بسیار کلیدی در اجرای سیاست‌های آب داشته باشد. یعنی سیاست‌های مهمی مثل سلامت و بهداشت، کشاورزی و امنیت غذایی، تولید انرژی، فقرزدایی و سرمایه‌های عمومی به مدیریت آب بسیار وابسته است. این هم فرصت است و هم تهدید. فرصت است به این لحاظ که برای این خدمات متقاضی وجود دارد و تهدید است به این لحاظ که این خطر وجود دارد که استفاده نادرستی از منابع طبیعی انجام بگیرد. طبق برآوردها، برای همین تقاضا در سال، حدود ۵۰۰ میلیارد پوند در دنیا در مورد خدمات مرتبط با آب هزینه می‌شود که به این رقم، اگر نیازهای کشورهای کم درآمد و نیازهای تأمین نشده کشورهای با درآمد متوسط را اضافه کنیم، بین ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌تواند افزایش داشته باشد.

در نمودار سمت چپ بخش‌های اصلی مدیریت آب و فواید اصلی مطرح شده در این زمینه را می‌بینید که این فواید، بسیار گوناگون است و در سه گروه معمولاً طبقه‌بندی می‌شود؛ فواید اقتصادی، فواید مرتبط با پایداری محیط‌زیستی و نیازهای معیشتی. خود پیکره مدیریت آب در واقع از سه بخش مدیریت محیط‌زیستی، مدیریت بهره‌برداری و مدیریت ریسک و بحران تشکیل شده است.



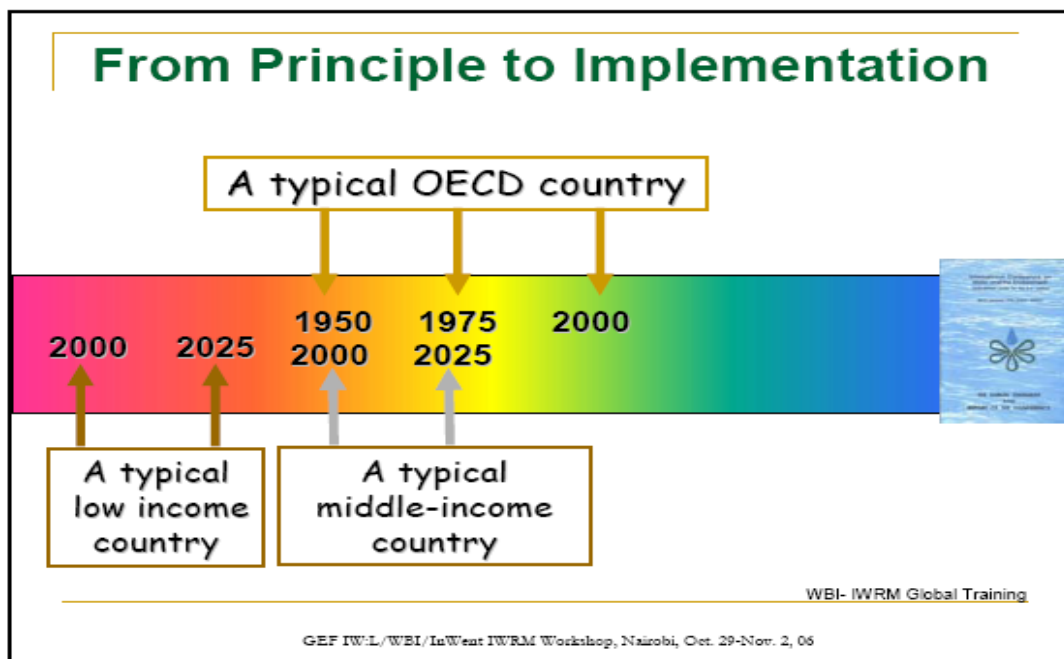
با توجه به مشکلاتی که در قرن بیستم در بهره‌برداری از منابع طبیعی بروز کرد موجب شد نشست‌ها، کنفرانس‌ها و چاره‌اندیشی‌های زیادی صورت بگیرد و موضوع ارتباط بین آب و منابع طبیعی و آب و مدیریت توسعه مطرح شد.

این شکل در قسمت بالا، ارتباط متقابل بین توسعه و منابع آب را نشان می‌دهد که بر روی هم، اثرات مثبت و منفی دارند. در قسمت پایین مدیریت توسعه با دو مجموعه از سیاست‌ها یعنی سیاست‌های بخشی و سیاست‌های کلان یا فرابخشی تلاش دارد که این ارتباط را به شکلی مدیریت کند که بتواند موازین توسعه پایدار را رعایت کند.



تلاش کشورهای مختلف برای اجرای این نوع سیاست‌ها که تحت عنوان مدیریت انطباقی یا مدیریت یکپارچه آب یا مدیریت به هم پیوسته آب مطرح است دستاوردهای مختلفی در بین کشورها داشته و یک نهادی به اسم GWP یا نهاد مشارکت جهانی آب، اینها را در یک طیف رده‌بندی و دسته‌بندی کرده است. یعنی ارزیابی‌ها بصورت مطلق سیاه و سفید نیست بلکه در یک طیفی مطرح است که سمت راست این طیف که آبی رنگ است یعنی تلاش‌ها مثبت است و توانسته با موازین توسعه پایدار تلفیق پیدا کند و در سمت چپ که به قرمز نزدیک است بر اثر سوء

مدیریت اعمال شده، شرایط بحرانی حاکم می شود. کشورها در این جا به سه قسمت تقسیم بندی می شوند: کشورهایی که از سنخ کشورهای با درآمد پایین هستند در سال ۲۰۰۰ در این منطقه قرمز بودند و با برنامه هایی که پیش بینی شده امیدواریم که در سال ۲۰۲۵ به منطقه نارنجی برسند. کشورهای با درآمد متوسط با طیف نزدیک به نارنجی و زرد بودند که در سال ۲۰۲۵ پیش بینی می شود که وارد طیف زرد بشوند. کشورهای OECD که کشورهای سازمان همکاری توسعه و اقتصادی هستند، برنامه ریزی خود را از سال ۱۹۵۰ شروع کردند و در سال ۱۹۷۵ به نقطه زرد رسیدند و پیش بینی می شود که در سال ۲۰۰۰ به منطقه آبی و منطقه سالم و مناسب توسعه پایدار رسیده باشند. از این نمودار نتیجه گیری های زیادی می شود کرد.

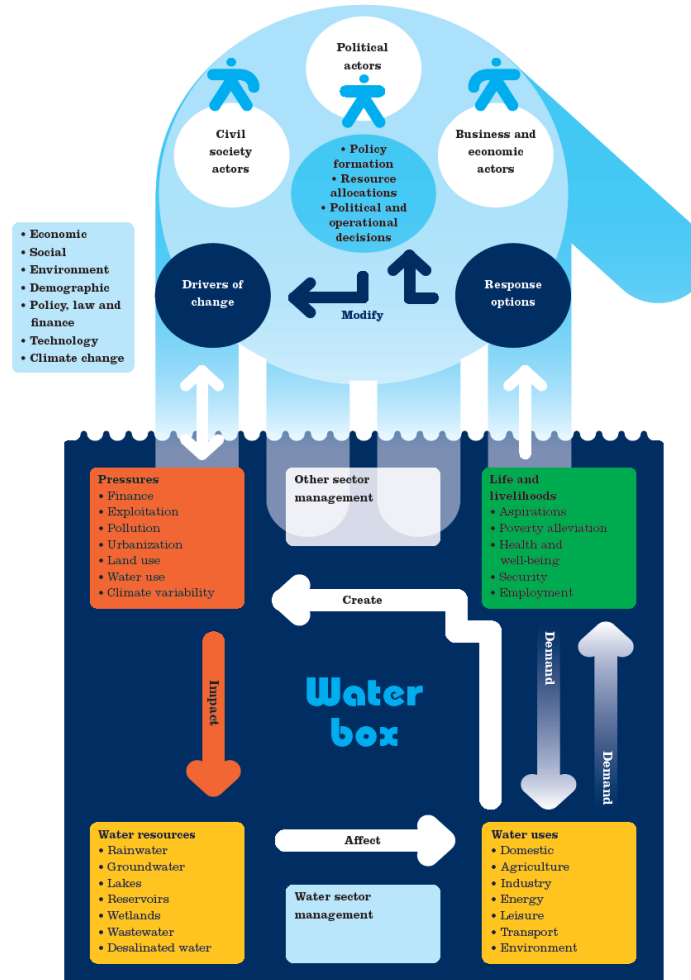


من فقط به دو تا از آنها اشاره می کنم. یکی این که برای کشورهای کم درآمد و درآمد متوسط مسئله مهله که بحران آب موضوع جدی است و خروج از این شرایط هم به سالها و بلکه دهه ها زمان نیاز دارد. موضوع درک عوامل موثر بر چرخه آب و مدیریت آب موضوعی است که در دو دهه گذشته بسیار مورد توجه بوده و جمع بندی ها این بوده که سیستم های اجتماعی و سازوکارهایی که بر چرخه آب تأثیر دارند فراتر از مدیریت آب

هستند و موضوع بحران آب باید در چارچوب نهادها و سیستم‌های اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد که به این سیستم‌ها نظام حکمرانی آب می‌گویند. خود نظام حکمرانی آب زیرمجموعه‌ای از نظام حکمرانی کل کشور است.

اندیشکده تدبیر آب ایران چند سال است که بر روی موضوع چارچوب مفهومی و نهادی حکمرانی آب کار کرده و تعریفی که به آن رسیده را مطرح می‌کنم. منظور از حکمرانی، تنظیم رابطه دولت با بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی در مسیر ایجاد و کسب اقتدار برای انجام تصمیمات راهبردی جامعه است. ما حکمرانی موثر را آن نوع حکمرانی می‌دانیم که روابط بین این سه رکن حکمرانی به نحوی باشد که تصمیمات قابل اجرا باشد. حکمرانی غیر موثر نیز آن نوع حکمرانی است که تصمیمات گرفته می‌شود ولی به اجرا نمی‌رسند. سازمان ملل، در گزارش سوم توسعه آب جهانی، بخش مهمی را به تعریف چارچوب مفهومی اختصاص داده که برای بیان حکمرانی مشخص شده و تصویرش را خدمت شما می‌گویم.

DECISION-MAKING AFFECTING WATER



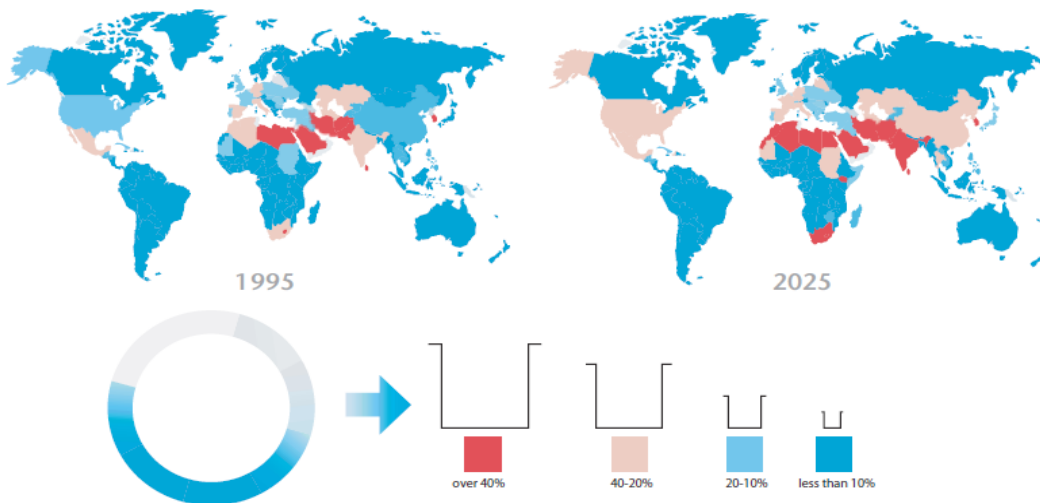
این چارچوب مفهومی دو بخش دارد. یک بخش سورمه‌ای دارد که در پایین و مستطیل شکل است. این بخش داخل بخش آب و مولفه‌های تشکیل دهنده آن را نشان می‌دهد. یک بخشی است که بصورت دست تصویر شده و در قسمت بالا قرار گرفته است. این محیط پیرامونی بخش آب را مشخص می‌کند که مولفه‌هایی هم برای خود دارد. چون توضیح این چارچوب زمان‌بر است من فقط به چند نکته اشاره می‌کنم.

در بخش بالای این تصویر سه نقش آدم را می‌بینید که هر کدام نماینده یکی از ارکان حکمرانی هستند. یکی از این آدم‌ها فعال سیاسی است، یکی از آنها فعال اجتماعی است و یکی هم فعال بخش خصوصی است. در قسمت کف دست دایره‌ای را می‌بینید که آبی پررنگ است. این قسمت مربوط به سیاست‌های فرابخشی است و سیاست‌های

فرابخشی روی یک دایره پررنگ اثر می‌گذارد که آن پیشران‌ها هستند. اینها، پیشران‌های تغییر هستند که ما امروز می‌خواهیم راجع به آنها بیشتر صحبت کنیم. من پیشران‌های تغییر را می‌خواهم در رابطه با بحران آب در ایران توضیح بدهم. حدود یکی دو سال است که ما اظهار نظرهایی را از زبان مقامات رسمی در رابطه با بحران آب می‌شنویم نظیر صحبتی که آقای وزیر نیرو در زمستان سال گذشته انجام داده و راجع به دلایل بحران آب در کشور صحبت کرده‌اند. چند ماه بعد، وزیر کشور وقتی راجع به مسائل مختلف کشور صحبت می‌شد راجع به آب هم صحبت کرده و به این که خطر بحران آب در کشور وجود دارد توجه داده است. چند روز پیش هم نماینده فائو در ایران راجع به کمبود آب و شدت بالای کمبود آب در ایران صحبت کرده و اقدامات و کمک‌هایی را که فائو می‌تواند انجام دهد را مطرح کرده است. صحبت‌های آقای وزیر مآخوذ از یک شاخصی است که سازمان ملل متحد تحت عنوان نسبت بحران آب تعریف کرده است. این شاخص، از میزان آب برداشت شده نسبت به آب تجدیدپذیر ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید. شما این نقشه‌ای را که می‌بینید مربوط به سازمان ملل است که در دو مقطع ۱۹۹۵ و ۲۰۲۵ وضعیت کشورها را با رنگ مشخص کرده است.

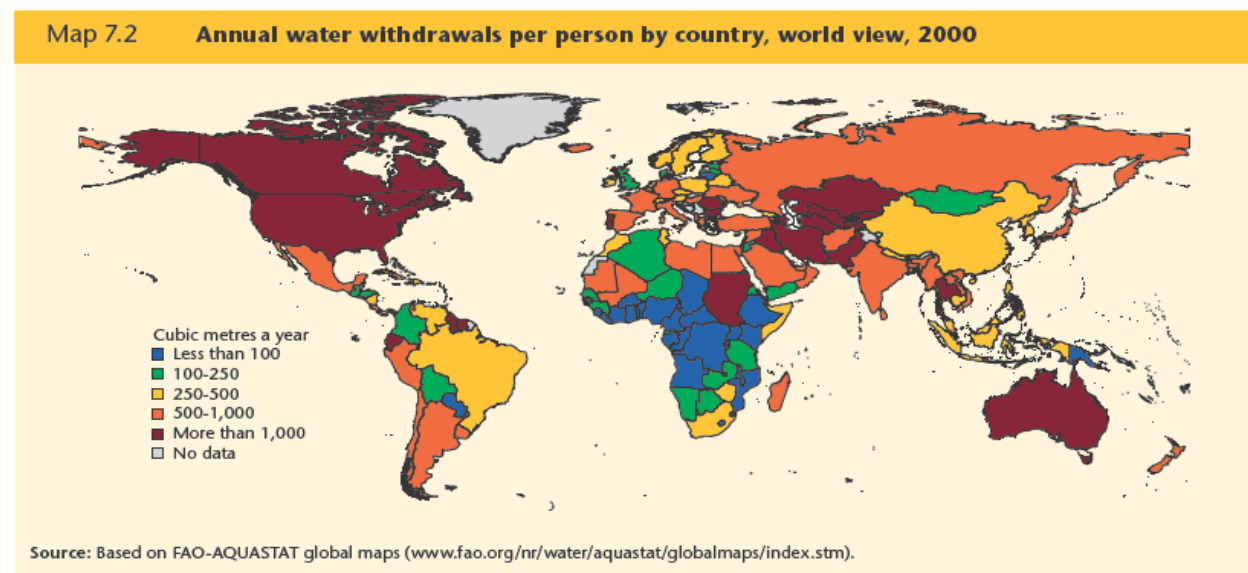
Fresh water stress

The following map projects how much water will be withdrawn with respect to the amount that is naturally available.¹⁸



در این نقشه کشورها با ۴ رنگ مشخص شده‌اند. رنگ آبی، آبی پررنگ منطقه‌ای است که کمتر از ۱۰ درصد منابع تجدید پذیر برداشت می‌شود، رنگ قرمز که بیش از ۴۰ درصد برداشت می‌شود و چون ایران هم سال ۱۹۹۵ و هم

سال ۲۰۲۵ رنگ قرمز داشته در هر دو سال جزو کشورهایی بوده که شدت بحران آب در آن‌ها زیاد بوده است، چون بیشتر از ۴۰ درصد برداشت می‌شود. نکته‌ای که از این تصویر به دست می‌آید این است که کشور ما به تازگی وارد مرحله بحران آب نشده، بلکه از ۲۰ سال پیش در این منطقه طبقه‌بندی شده است. در جستجوی اینکه عامل این وضعیت چه هست ما می‌توانیم به نمودار دیگری که سازمان ملل تهیه کرده توجه کنیم و آن سرانه برداشت آب است.



در این تصویر، کشورها بر اساس سرانه برداشت آب به ۵ گروه تقسیم شدند. کشورهایی که با رنگ زرشکی مشخص شده‌اند (که کشور ایران هم جزو این کشورها هست)، بیشترین برداشت سرانه را از منابع آبی خود دارند یعنی بالاتر از ۱۰۰۰ متر مکعب در سال سرانه. کشورهایی که با رنگ آبی مشخص شده‌اند، درست نقطه مقابل کشورهایی هستند که کمترین برداشت را از منابع آبی شان دارند که بیشتر در کشورهای آفریقایی هستند، یعنی کمتر از ۱۰۰ متر مکعب سرانه. بنابراین کشور ما از نظر برداشت سرانه آب، مثل کشورهای آمریکای شمالی، کشورهای آسیای مرکزی و کشور استرالیا جزو گروه اول است.

اگر بخواهیم سخن را کوتاه کنیم و نشانه‌های بحران آب را در کشور مطرح کنیم اولین موردی که باید به آن اشاره کنیم این است که برداشت آب در کشور ما بیشتر از توان طبیعت است. دوم اینکه ظرفیت‌های طبیعی ما چه به لحاظ

کمی و چه به لحاظ کیفی، به صورت شور و آلوده شدن در حال از بین رفتن است. سوم این که مناقشات و شکاف‌های اجتماعی مربوط به آب رو به افزایش است. حالا سئوالی که با توجه به برداشت سرانه و جایگاه آب مطرح است، این است که با توجه به شرایط اقلیمی این کشور دلایل استفاده بیش از حد و ناپایدار از منابع آب چیست؟ این دلایل مطمئناً ربطی به خشکسالی ندارند. اگر این دلایل را بشناسیم آن وقت باید تفکر کنیم که تدابیر مناسبی که برای مقابله با این وضعیت در نظام برنامه‌ریزی ما دیده شده بود کدام‌ها بودند؟ و چرا به هدف‌های خودشان نرسیدند؟

من اشاره‌ای دارم به عوامل شکل‌دهنده برداشت بی‌رویه آب در کشور به رغم وضعیت اقلیمی آن، که به بحث محرک‌ها و پیشران بر می‌گردد و در همان چارچوب مفهومی سازمان ملل مطرح شده است. قسمتی که در دست با دایره پررنگ مشخص شده و شامل عواملی مثل رشد جمعیت، تغییر اقلیم، سبک زندگی، الگوهای تولید و مصرف، امکانات مالی و ظرفیت‌های بیرون از بخش آب است. و بالاخره سیاست‌های فرابخشی در کف دست مشخص شده که همانطور که پیشتر اشاره شد دربرگیرنده حوزه‌های سیاست کلانی است که تاثیر زیادی بر عوامل محرک‌ها و پیشران‌ها دارند. و در نهایت، اهمیت شرایط ذهنی وجود دارد که یک عامل بسیار مهمی است که مبین این است که ما چرا علی‌رغم اینکه در چنین شرایط هستیم، موضوع آب به یک مسئله اجتماعی تبدیل نشده و مطالبه اجتماعی برای اصلاحات حکمرانی آب ایجاد نگشته است.

در کشور ما مصادیقی روشنی برای همین پیشران‌ها و محرک‌ها وجود دارد. یکی تغییرات بنیادی اقتصادی از سال ۱۳۴۰ است که با مازاد اقتصادی از طریق فروش نفت در کشور ایجاد شد و در کنار اصلاحات اجتماعی و فرهنگی، از طریق اجرای طرح‌های عمرانی در کشور ملاحظه می‌کنیم. تغییرات جمعیتی که در کمتر از یک قرن جمعیت ما نزدیک به ۸ برابر رسید و در ۵۰ سال گذشته سه و نیم برابر شد. از آن مهمتر سهم جمعیت شهری ماست که در طول ۶۰ سال از ۳۲ درصد به ۷۱ درصد رسید. در حال حاضر که نرخ رشد جمعیت ما ۲ درصد است، نرخ رشد جمعیت شهری ما سالانه ۱۳ درصد است. در کشاورزی هم ما با پدیده افزایش سطح کشت و نوع کشت روبرو بودیم. سطح کشت در طول ۵۰ سال ۳ برابر شده و حجم آب برداشت شده مربوط به کشاورزی ۲ برابر شده است. سهم بخش کشاورزی از کل برداشت‌ها در طول ۵۰ سال از ۹۹ درصد به ۹۲ درصد کاهش پیدا می‌کند. سیاست‌های

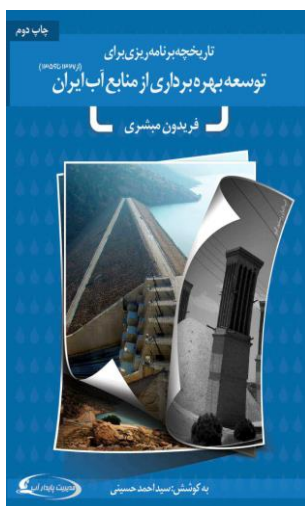
کلان ما هم در این زمینه قابل توجه است. مخصوصاً سیاستی که به آب به عنوان عامل توسعه و نوسازی بخش کشاورزی توجه داشته است. این سیاستی بوده که قبل از انقلاب هم در قالب ایجاد کشت و صنعت‌ها، تعاونی‌های تولید، شرکت‌های سهامی زراعی - که در بعد از انقلاب بُعد سازماندهی و تولیدی آن حذف شده ولی بُعد نوسازی کشاورزی با محوریت آب کماکان در نظام خرده مالکی ادامه پیدا کرده - مطرح بوده است. با توجه به اینکه یک نظام برنامه ریزی داریم، اسناد چاره‌اندیشی آب را در ارتباط با نظام برنامه‌ریزی جستجو می‌کنیم.

ما که از ۱۳۲۷ تا حالا نظام برنامه‌ریزی داریم و حدود ۶۶ سال هم از آن گذشته است، چگونه به سئوالات ما که از نظام برنامه‌ریزی پرسیده می‌شود پاسخ داده می‌شود؟ آیا در برنامه‌های توسعه ۵ ساله در دهه‌های گذشته تدابیر مربوط به پیش‌بینی و پیشگیری از شرایط بحرانی آب در نظام برنامه‌ریزی دیده نشده بود؟ این تدابیر اگر پیش‌بینی شده‌اند کدام یک از آنها می‌توانستند تاثیر بیشتری در مهار عوامل شکل‌دهنده بحران داشته باشند؟ و چرا تدابیر پیش‌بینی شده نتوانستند به هدف‌های خود دست یابند؟ دیدگاهی که در این جا مدنظر قرار می‌گیرد، دیدگاه حکمرانی آب است نه دیدگاه نظام برنامه‌ریزی و تکنیک‌های برنامه‌ریزی. در اینجا وارد بحث جزئیات اهداف کمی، جزئیات عملکرد ریالی و عملکرد فیزیکی طرح‌های آب نمی‌شویم. بلکه بحث من روی جنبه‌های کلان نظام‌های سیاسی اجتماعی کشور است که نحوه تصمیم‌گیری و اعمال اقتدار را مورد توجه قرار می‌دهد.

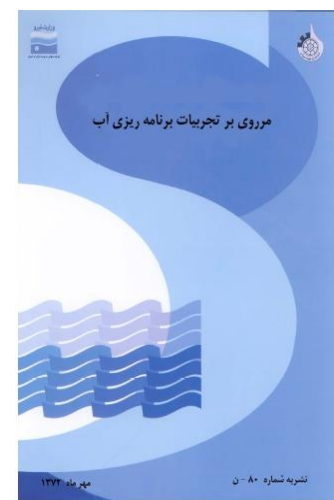
در اسناد برنامه می‌توانیم به این موارد توجه کنیم: یکی برنامه‌های درازمدت و استراتژیک که برخاسته از طرح‌های جامع آب است. ما تا به حال علی‌رغم طرح‌های جامعی که داشتیم، هیچ کدام آنها به برنامه‌ریزی استراتژیک منجر نشد و بالعکس برنامه‌ریزی‌های استراتژیک که در وزارت نیرو تهیه شد متکی به طرح جامع نبود. سیاست‌های کلان بخش آب وجود دارد که در سال ۱۳۷۹ تصویب و ابلاغ شد، اما به جز راهبردهای آن، بقیه قسمت‌های آن مسکوت ماند. خط‌مشی‌های درازمدت بخش آب بود که سال ۱۳۸۲ در اجرای سیاست‌های کلان تصویب شد اما پیگیری نشد. برنامه‌های ۵ ساله تنها مواردی در نظام برنامه‌ما بودند که بالاخره هر ۵ سال یک بار، با یک وقفه‌هایی به نوعی تجدید شدند. برنامه‌های سالانه هم قاعدتاً، در چارچوب برنامه‌های ۵ ساله باید عمل کنند و در بهترین حالت خود، آن‌ها را خرد و عملیاتی کنند و به مرحله بودجه‌ریزی برسانند. بنابراین، تمرکز بحث در اینجا بر روی برنامه‌های ۵ ساله است که سیاست‌ها را از آن استنباط کنیم.

در مورد نظام برنامه، چند مورد قابل ذکر است. اول اینکه بر اساس قانون اساسی، اقتصاد ما برنامه‌ای است. چارچوب قانونی نظام برنامه، توسط قوانین مختلفی تعیین شده که اینجا به جزئیات آن پرداخته نمی‌شود. انواع برنامه‌های ملی، بخشی، طراحی شده که تا حدودی منطقه‌ای است اما ریزتر از آن هم داریم. در قبل از انقلاب از سال ۱۳۲۷، ۵ برنامه تهیه شده که ۲ تا از آن‌ها ۷ ساله بوده و بقیه ۵ ساله بوده‌اند. ۵ برنامه نیز از سال ۱۳۶۸ بعد از انقلاب تهیه شده است. مستندات برنامه هم گزارشات تحلیلی و مدوئی نیست. بیشتر از اطلاعات طرح‌ها و بحث‌های کارشناسی استفاده می‌شود. منتها تا زمانی که سازمان برنامه فعال بود، بعد از این که برنامه تدوین می‌شد اسناد برنامه برای اطلاع عموم منتشر می‌شد. در ۱۰ سال گذشته تقریباً این کار هم متوقف شد.

بنابراین نظام برنامه ریزی ما عمدتاً طرح‌محور است، یعنی بر اساس برنامه‌ریزی طرح شکل می‌گیرد. اگر کمی باریک بینی به خرج بدهیم، نظام برنامه ما قواعد و هنجارهایی دارد که همه آن رسمی نیست و بخش عمده و مهمی از آن غیررسمی است. مثلاً در دوره‌ی که در سال ۱۳۴۴ وزارت آب و برق تاسیس شد و تا ۲۰ سال بعد از آن، بیشتر سنت‌های نظام برنامه‌ای آب در وزارت نیرو از آن جا منبث شد و بدین سان، تحت تاثیر آن زمان قرار گرفته‌اند؛ یعنی آن سنت‌های نهادی کماکان تاثیرات خودشان را تا به حال دارند. به صورت جدی ما برنامه‌ریزی منطقه‌ای نداریم که بتواند روی برنامه‌ریزی بخشی اثر بگذارد. برای همین گرایش‌های منطقه‌ای و محلی به صورت نسجیده تاثیرات خود را بر روی برنامه‌های



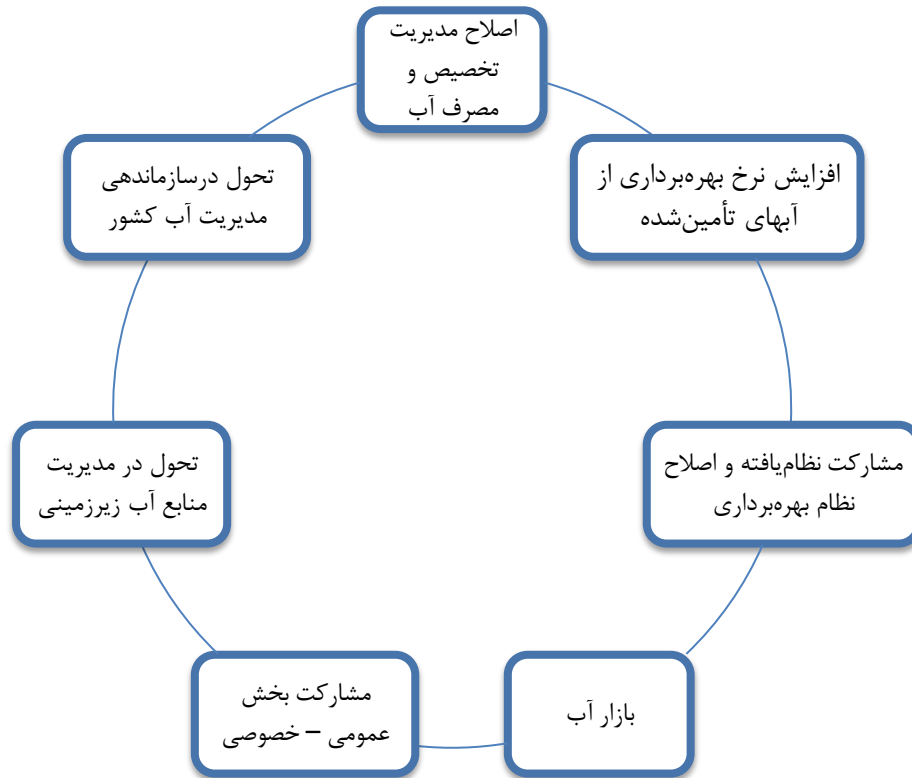
بخشی می‌گذارند. هر دوره مدیریتی که با تعویض دولت‌ها شروع می‌شود سایه روشن‌های نظام برنامه تغییر می‌کند؛ یعنی به آن جنبه‌هایی که بیشتر تاکید می‌شود و آن جنبه‌هایی که در سایه می‌ماند مقداری فرق می‌کند. بنابراین شما انتظار نداشته باشید که این قواعد رسمی را که در برنامه‌های ۵ ساله داریم به صورت یکنواخت اجرا شده باشد. متأسفانه در کشور ما از حافظه نهادی ما صیانت و حفاظت نمی‌شود. ولی به هر حال یک سری مستندات و کتاب‌ها و کتابچه‌هایی در زمینه برنامه‌ریزی آب تهیه و



منتشر شده است. یکی تاریخچه برنامه‌ریزی برای توسعه بهره‌برداری از منابع آب است که آقای مبشری آن را نوشته‌اند و در سال ۵۷ - ۵۸ به چاپ اول رسیده است و اخیراً سایت مدیریت پایدار آب چاپ دوم این را بیرون داده است.

مورد بعدی، مروری بر تجربیات برنامه‌ریزی آب است که طرح استاندارد ضوابط صنعت آب در سال ۷۲ آن را منتشر کرده است. همچنین مطالعات استراتژی مدیریت آب جلد سوم است که راجع به نهاد مدیریت آب در آن بحث شده و در سال ۷۷ منتشر شده است.

در این قسمت، سیاست‌ها معرفی می‌شوند. اولین سیاست، اصلاح مدیریت تخصیص بر مصرف آب است که پیرو استقرار نظام تخصیص، بعد از قانون آب و نحوه ملی شدن آن و بعد از قانون توزیع عادلانه آب نیاز بود که این نظام از طریق سیاست‌هایی تکمیل شود که در برنامه‌های ۵ ساله تلاشی در این زمینه انجام شد. سیاست افزایش نرخ بهره‌برداری از آب‌های تامین شده یعنی سدهای مخزنی سیاست دیگر است که عمدتاً به تکمیل شبکه‌های آبیاری و زهکشی مربوط است. مشارکت نظام یافته و اصلاح نظام بهره‌برداری سیاست دیگری است که باز هم به نوعی مرتبط با همین شبکه‌های آبیاری و زهکشی است که کشاورزان در قالب تشکل‌هایی عمدتاً مشارکت مالی داشته‌اند. ایجاد بازار آب سیاست دیگری است که از برنامه سوم به بعد مطرح بوده است. یعنی تعادل آب برای تطبیق عرضه آب با نیازهای واقعی بهره‌برداران و مشارکت بخش عمومی و خصوصی و تحول در مدیریت آب زیرزمینی و تحول در سازماندهی مدیریت آب کشور.



هر کدام از این سیاست‌ها در ارتباط با چالش‌هایی تعیین شدند. جالب است که وقتی بحث چالش‌های آب می‌شود، به جای این که ما به این سیاست‌ها مراجعه کنیم به صورت ذهنی سعی می‌کنیم چالش‌هایی را استخراج کنیم. مثلاً چالش اصلاح مدیریت تخصیص و مصرف، رعایت حقوق بهره‌برداران و صیانت از حقوق نسل‌های آینده بود. یعنی ما نباید تعهداتی را ایجاد کنیم که نتوانیم از عهده آن بر بیاییم یا منابع آبی را بی‌رویه مورد استفاده قرار دهیم. یا چالش افزایش نرخ بهره‌برداری از آب‌های تأمین شده، بالا بردن راندمان آبیاری و بازدهی آب بود. چالش مشارکت مالی کشاورزان و ایجاد تشکل‌ها، در واقع تأمین مالی و تحویل حجمی آب بود. چالش بازار آب هم، تطبیق عرضه با نیازهای آب بران و متقاضیان بود. چالش‌های دیگر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی، تأمین مالی و تا حدودی افزایش کارایی، تحول در مدیریت آب زیرزمینی، ایجاد تعادل در تغذیه و برداشت آب از آبخوان‌ها، تحول در سازماندهی مدیریت آب، تمرکززدایی و ایجاد سطوح مختلف مدیریتی بود.

در این جا، با توجه به دیدگاه حکمرانی که داریم آن دسته از سیاست‌هایی را که مربوط به جنبه‌های مشارکتی و اقتصادی در کنار جنبه‌های اداری و دستوری است برجسته می‌کنیم و در یک مجموعه نشان می‌دهیم. ۳ مورد از

سیاست‌ها از بین ۷ مورد، به این موضوع نزدیک است: یکی بازار آب، دومی مشارکت نهادی و نظام بهره‌برداری و سومی هم مشارکت بخش عمومی و خصوصی است. به این ترتیب ما ۵ تا سیاست را در این بخش مورد توجه قرار می‌دهیم: اصلاح مدیریت تخصیص، افزایش نرخ بهره‌وری از آب‌های تأمین شده، سازوکارهای مشارکتی اقتصادی، تحول در مدیریت منابع آب و تحول در سازماندهی مدیریت منابع آب. اعتقاد ما بر این است که این سیاست‌ها می‌توانسته‌اند تا حد بسیار خوبی با عوامل شکل‌دهنده بحران مقابله کنند.

از روی مستندات قانونی، توضیحاتی راجع به هر کدام از این سیاست‌ها ارائه می‌شود. در مورد تکمیل نظام تخصیص آب با دولتی شدن یا عمومی شدن مالکیت آب و حجمی شدن تحویل آب لازم بود اقداماتی صورت بگیرد. صدور مجوزها بر اساس مصرف معقول باید تعریفی پیدا می‌کرد. اصلاً این مصرف معقول چیست؟ باید مصرف معقول مشخص شود تا بتواند در این نظام اجرا شود. حقوق بهره‌برداران در ارتباط با شرایط جدید که آب در حقوق عمومی تعریف می‌شود باید مشخص می‌شد و در سایه آن باید حقوق خصوصی مشخص شود. چون قبل از قانون آب و نحوه ملی شدن آن، حقوق آب بر مبنای قانون مدنی بر پایه حقوق خصوصی تعریف می‌شد و آب جزو مباحثات به حساب می‌آمد و بعد از این حقوق عمومی شروع به رشد کرد و پای دولت در این زمینه باز شد و لازم بود که وقتی که آب به عنوان ثروت ملی یا انفال یا ثروت عمومی مطرح می‌شود یا حتی در قانون توزیع عادلانه آب به عنوان مشترکات عمومی آورده شده طبق مصالح عمومی مصرف می‌شد و لازم بود که برای بهره‌برداران پروانه صادر شود یا مصرف معقول و پروانه‌ها بر اساس مصرف معقول مشخص شود. برای همین در برنامه دوم مشاهده می‌شود که وزارت نیرو به تحویل حجمی موظف می‌شود. در برنامه سوم تخصیص آب به تولیدات محصولات با نیاز آبی کمتر و بازدهی اقتصادی بیشتر تکلیف می‌شود و در برنامه چهارم جهت‌گیری به این سمت می‌رود که تخصیص اقتصادی آب باشد. یعنی بعد از تأمین مصارف الزامی، تخصیص آب مازاد در حوزه‌ها در قالب سازوکارهای اقتصادی باشد. یعنی شاهد جهت‌گیری نظام تخصیص از حالت اداری به اقتصادی هستیم که در واقع عملکردها در این زمینه بسیار ضعیف است و هم اینک که ما در برنامه پنجم هستیم، همین تحویل حجمی در شیب اولیه رشد خود به سر می‌برد و نیازهای آبی در حد وضع موجود تهیه شده و اسنادی را در این زمینه فراهم کردند،

سعی کردند تشکل‌هایی را ایجاد نمایند، تحویل حجمی بدهند، نقاط تحویل را تجهیز بکنند. ولی عملاً هیچ حرکتی را که به سمت تخصیص اقتصادی باشد، مشاهده نشد.

در مورد شبکه‌های آبیاری هم تنها به بیان این موضوع اکتفا می‌شود که روی مکانیزم‌های مالی بیشتر کار شد که از تلفیق منابع عمومی و بانک کشاورزی منابع اضافه‌تر شود و تعهدات مالی این قضیه را کشاورزان بر عهده بگیرند تا شبکه‌های آبیاری سرعت بیشتری پیدا کنند. ما در مورد مشارکت نظام‌یافته هم، مسئولیت تشکل‌های آب‌بران را بر دوش بخش وزارت کشاورزی می‌بینیم. منتها روش کارشان باز روش دولتی و از بالا به پایین است. در صورتی که جنس کار یک جنس نهاد اجتماعی است و لازم است به مشارکت و ابزارهای اقتصادی که تا به حال استفاده نشده، توجه شود.

بر روی بازارهای محلی آب هم جنس آن، از جنس نهاد سازی است. تا به حال یک کارگاه آموزشی در اوایل دهه ۱۳۸۰ برگزار شد. چند مورد مطالعه دانشگاهی و بررسی و تحقیقاتی انجام گرفت. در مورد مشارکت بخش عمومی و خصوصی هم مشارکت بخش عمومی و خصوصی، به بازار آب و پیشرفت در تعیین حقوق بخش خصوصی که در قسمت نظام تخصیص است، وابسته است. تا آن‌ها روشن نشود ما نمی‌توانیم در این زمینه پیشرفت چندانی داشته باشیم. جز چند شهر که بخش خصوصی در آنجا سرمایه‌گذاری کرده، آن هم با خرید تضمینی و نه به قیمت بازار رقابتی، اقداماتی انجام نشد. اقداماتی در مورد مدیریت منابع آب زیرزمینی صورت گرفته و البته روی تحول مدیریت آن، مقداری دیر اقدام شده است. در برنامه چهارم یک سری تکالیفی بوده است. برنامه اجرایی مفصلی تهیه شده و به تصویب شورای عالی آب رسیده و از سال ۱۳۸۴ یک ردیف بودجه مستقل در نظام بودجه‌ریزی پیدا کرد. در واقع، دست‌اندرکاران معتقد بودند که در برنامه چهارم پیشرفت خوبی داشتند اما به دلیل دو تا رویداد با مشکل مواجه بوده‌اند. اولی قانونی است راجع به صدور پروانه چاه‌های فاقد پروانه و اجرای طرح فدک که توسعه کشت آبی را تکلیف کرده، کارشان را ضعیف کرده است. ضمن این که سازوکار هم سازوکار دولتی بوده و از سازوکارهای مشارکتی و اقتصادی کمتر استفاده کرده است.

در مورد تحول سازماندهی نظام مدیریت از برنامه اول تکالیف قانونی وجود داشته، ولی کماکان به نحو مناسبی اجرا نشده است. در برنامه پنجم سازماندهی بطور مشخص در ۳ سطح با تأکید بر روی حوزه آبریز بوده است، ولی تا این اواخر، برنامه پنجم جز این که یک حرکت کوچکی در شرکت مدیریت منابع آب صورت گرفته و یک تشکیلاتی برای حوزه آبریز شکل داده شد، اقدام لازمی انجام نیافته است.

هدف‌های این سیاست‌ها در بحث تخصیص، مصالح عمومی، مصرف معقول، بهره‌وری و بازدهی آب، تکمیل شبکه‌های آبیاری، جلب منابع مالی بیشتر، کاهش تلفات و بهره‌وری آب، نظام‌های مشارکتی و اقتصادی تقویت مدیریت محلی، بهره‌وری آب و تثبیت حقوق آب در بحث مدیریت آب زیرزمینی و تعادل بخشی مطرح می‌شود.



برنامه پنجم هم سازماندهی جدید آب با تأکید بر تعادل بخشی و جلوگیری از وضعیت وخیم آب‌های زیرزمینی بوده است. اگر بخواهیم هدف‌ها را ذیل هدف کلی مصالح عمومی تجمیع کنیم سه هدف را می‌توانیم تشخیص دهیم. یکی ارزش آب است که در برنامه چهارم بر آن تأکید شده و در راهبردهای سیاست‌های کلان هم بوده، اما ما تا به حال یک دستورالعمل یا یک سمینار یا نشست در این زمینه مشاهده نمی‌کنیم. دیگری بهره‌وری آب بوده که وضعیت بهره‌وری آب از زبان مسئولین و تفاوت یا فاصله آن نسبت به کشورهای دیگر نیازی به توضیح ندارد. بحث تعادل بخشی هم که ما الان وضعیتمان را مشاهده می‌کنیم. در تعیین هدف‌ها جای چند موضوع خالی است. یکی در

واقع توجه به جنبه‌های معیشتی و اجتماعی آب و دیگری توجه به خطرات و سوانح طبیعی آب و توجه به جنبه‌های زیست محیطی.

به طور کلی نتیجه‌گیری می‌شود هدف‌ها، هدف‌های خوبی است و تا به حال هیچ مخالفی نداشته است. یعنی هدف‌ها و سیاست‌های مزبور، هیچ مخالفی نداشته است. ولی سؤال این است که این هدف‌های خوب چرا اجرا نشده است؟ دلیل‌اش آن است که تبدیل به یک گفتمان اجتماعی نشد و گفتمان غالب مدیریت نشد. اما واقعاً چرا نشد؟ چرا مطالباتی در خارج از بخش آب در این زمینه شکل نگرفت؟ پاسخ‌های احتمالی از چند زبان یا زاویه مطرح می‌باشد. بعضی‌ها معتقدند که از اصول برنامه‌ریزی خوب استفاده نشد. اگر ما این مجموعه را به صورت منسجم‌تری ارائه می‌کردیم به طوری که چشم‌انداز و سیاست برنامه‌های ویژه‌ای داشت و برنامه اجرایی خوب‌تری داشت و مدیران شایسته‌ای را سر کار می‌گذاشتیم، می‌توانستیم این مشکل را حل کنیم.

عده‌ای معتقدند که هدف‌های آسان‌تر و پنهانی بودند که این هدف‌ها را تحت تاثیر خود قرار دادند و این هدف‌ها مغلوب آن هدف‌هایی شدند که به صورت موازی در نظام برنامه ما حرکت می‌کردند. هدف‌هایی مثل آب به عنوان عامل توسعه و نوسازی بخش کشاورزی و استحصال حداکثری از منابع آب که حتی در سیاست‌های کلان نظام هم آمده، انتقال آب از دوردست برای متعادل کردن سرانه آب تجدیدپذیر مناطق مختلف و غیره. از یک زاویه دیگر اجتماعی نبودن مسئله آب است که بحث بی‌تفاوتی عمومی، نبود باور به این هدف‌ها، نبود هنجارهای پشتیبانی‌کننده و نهادها و سازمان‌های اجرایی را برجسته می‌سازد. حالا چگونه می‌شود برای تحقق این هدف‌ها، پشتیبانی اجتماعی را فراهم ساخت؟ چون هدف‌های مزبور، هدف‌های خوبی است و به احتمال زیاد در برنامه ششم هم این‌ها را خواهیم دید.

یک راه این است که نظام برنامه‌ریزی را اصلاح کنیم و برنامه فرابخشی تهیه شده در برنامه چهارم را سعی کنیم منسجم‌تر کنیم و بهبود ببخشیم.

یک پاسخ این است که گفتگوی اجتماعی داشته باشیم و عزم ملی را تقویت کنیم و تقاضا برای تغییر و بازساخت نظام حکمرانی را ایجاد کنیم. در این صحبت دلایل استفاده بیش از حد و ناپایدار از منابع آب مورد توجه قرار

گرفت و گفته شد که این عوامل همان عواملی است که باعث شده برداشت سرانه آب کشور جزو گروه های اول باشد. در برنامه ۵ ساله توسعه کشور به ۷ تا سیاست اشاره شد که این سیاست ها می توانست روی آن عوامل تاثیر بگذارد. در بین این ۷ سیاست بعضی ها معتقدند که آن سیاست های نظام های تخصیص می تواند خیلی موثر باشند که اجازه داده نشود از منابع آب بیش از ظرفیت هایش استفاده شود. اما من معتقدم که اگر در نظام تخصیص هم بخواهیم فقط از طریق اعمال مکانیزم اداری و دستوری عمل کنیم باز هم کماکان موفق نخواهیم بود. بنابراین طرفداری خودم را نسبت به سیاست های مشارکتی و اقتصادی اعلام می کنم. چرا تدابیر پیش بینی شده نتوانستند به هدف های خودشان دست پیدا کنند؟ دلیل این است که فقط از یک مکانیزم استفاده کردند و آن هم دستور و بخشنامه بود. چرا هدف ها تبدیل به گفتمان نشد؟ چون در پشت درهای بسته بوده است. در زیر همین شرایط موجود که برنامه ششم در حال تهیه است و در پشت درهای بسته راجع به آن تصمیم گیری می شود چگونه می شود تحقق این هدف ها را با پشتیبانی اجتماعی بیشتر مواجه کرد؟ راه چاره این است که درها را باز کنیم و گفتگو کنیم.

۳. آقای مهندس عباسقلی جهانی، قائم مقام شرکت مهندسی مشاور بهانسد

آقای مهندس اسفندیاری با ذکر برخی از مبانی نظری و تجربیات جهانی و با ارائه ارقام و اعداد و یک سری از مبانی کار را راحت کردند تا این که مستقیماً وارد اصل موضوع شویم. مطالبی که ارائه خواهد شد بیانگر یک نوع آسیب‌شناسی است و واقعاً هدف این نیست که در این جا نهاد یا شخص یا کسانی زیر سؤال برود. این موضوع دیگری است و ما یک مجمع کارشناسی هستیم و می‌خواهیم ببینیم که مسائل، مشکلات چیست و عدم تحقق اهداف پیش بینی شده در برنامه‌ها را آسیب‌شناسی کنیم. بنابراین به مبانی نظری نمی‌پردازیم. صحبت من حول ۴ محور اصلی است. محور اول مروری خواهد بود بر اسناد بالادستی در سطح ملی و عملکرد بخش آب را در رابطه با این اسناد بالادستی به صورت خیلی موجز و مختصر خواهیم دید و بعد مروری هم بر اسناد بالادستی در سطح بین‌المللی خواهیم داشت و عملکرد بخش آب را در قبال این اسناد بین‌المللی نیز خواهیم دید. البته اسناد خیلی زیادی در سطح جهانی در مورد مسائل آب و مدیریت آب است که در جای خودش اشاره می‌شود منظور کدام اسناد هست. در ادامه نگاهی هم به برخی از کمیته‌ها در مورد عملکرد بخش آب، البته به صورت نقادانه خواهیم داشت. طبیعتاً چون دنبال آسیب‌شناسی هستیم نقاط مثبت در این جا بیان نخواهد شد. در نهایت یک جمع‌بندی هم در مورد دیدگاه‌های شخصی خودم به عنوان یک کارشناس عرض خواهم کرد.

در اینجا، وارد ارزیابی اسناد بالادستی در سطح ملی می‌شویم. در مورد اسناد بالادستی تعداد زیاد است و من به طور مشخص به ۳ مورد اشاره خواهم کرد. یکی قانون توزیع عادلانه آب است که برای مدیریت و تمشیت امور آب در کشور اصلی‌ترین سند است و این قانون چه به روز مدیریت آب کشور آورده است. بعد نگاهی به سیاست‌های مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام انداخته و سیاست‌های مصوب درازمدت دولت در سال ۱۳۸۲ آخرین سندی خواهد بود که ارزیابی می‌کنیم. این سه تا سندی هست که تلاش خواهد شد که یک ارزیابی در مورد هر کدام از آن‌ها و عملکرد بخش آب ارائه شود.

در مورد قانون توزیع عادلانه آب به ذکر دو نکته اکتفا می‌شود. قانون توزیع عادلانه آب تمرکز کامل امور آب کشور را در دست دولت قرار داده است. یعنی یکی از ویژگی‌های اصلی آن، این است که مطابق این قانون، تمام

شئونات مربوط به بخش آب در دست دولت قرار گرفته است و نکته دوم این است که در این قانون اصلاً سرمایه‌های اجتماعی و نحوه استفاده از این سرمایه‌های اجتماعی برای تمشیت امور آب کشور دیده نشده است. شما اگر جای جای قانون توزیع عادلانه آب را ببینید اتفاقاً به لحاظ همان محور اول که تمرکز در دست دولت بوده انگار نه انگار که ما می‌توانیم از این سرمایه‌های اجتماعی در مدیریت آب کشور استفاده کنیم. خوب نتیجه غائی چنین قانونی وضعیتی است که امروز در مورد مدیریت آب حاکم است. شاخص‌ترین آن این است که ما در منابع آب زیرزمینی ۱۱ میلیارد مترمکعب بیلان منفی داریم. بنابراین قانون توزیع عادلانه آب به عنوان یک سند بالادستی شرایطی را به وجود آورده که ما سرمایه‌های اجتماعی را از دست بدهیم و برنامه‌ریزی متمرکز دولتی را حاکم کنیم و هیچ ارتباط منطقی هم بین این دو تا برقرار نشود.

سند دومی که در این جا یک ارزیابی کلی از آن خواهد شد مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام است. جدول زیر ارزیابی بعضی از سیاست‌های کلان این سند را نشان می‌دهد.

معیارهای ارزیابی				اجزا	عناوین
فقدان	ضعیف	کافی	مطلوب		
x				-	ایجاد نظام جامع مدیریت در کل چرخه آب بر اساس اصول توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوضه‌های آبریز کشور
	x			-	ارتقای بهره‌وری و توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی و سیاسی آب در استحصال، عرضه و نگهداری و مصرف
		x		استحصال	افزایش میزان استحصال آب و به حداقل رساندن ضایعات طبیعی و غیر طبیعی آب در کشور از هر طریق ممکن
	x			ضایعات	
	x			برنامه جامع	تدوین برنامه جامع به منظور رعایت تناسب در اجرای طرح

	x			آب های غیر متعارف	های سد، آبخیزداری، آبخوان داری و شبکه آبیاری و زهکشی و تجهیز و تسطیح اراضی و استفاده از آب های غیر متعارف و ارتقای دانش و فنون و نقویت نقش مردم در استحصال و بهره برداری
	x			دانش و فنون	
	x			نقش مردم	
		x			مهار آب هایی که از کشور خارج می شود و اولویت استفاده از منابع آب مشترک

در یکی از فرازهای این مصوبه گفته شده که نظام جامع مدیریت بر کل چرخه آب بر اساس اصول توسعه پایدار و آمایش سرزمین در حوزه های آبریز کشور ایجاد شود. به نظر می رسد این سیاست، یکی از مترقی ترین سیاست های روز دنیا است. یعنی شما تمام محافل بین المللی را هم بگردید واقعاً جمله ای زیباتر از این جمله نمی توانید پیدا کنید. ولی عملکرد ما در مقابل این نظام جامع مدیریت آب چه بود؟ چرخه آب را در آن نظام رعایت کردیم؟ آمایش سرزمین را در برنامه ریزی این نظام رعایت کردیم؟ اصول و مبانی توسعه پایدار را رعایت کردیم؟ اصلاً مدیریت بر اساس حوزه های آبریز است؟ اگر هر کدام از این کلماتی را که در دل این جمله بسیار زیبا و مهم وجود دارد را به مرحله عملیاتی تبدیل می کردیم و با شاخص های مناسبی می توانستیم اندازه گیری کنیم، به بحران آب دچار نمی شدیم و می توانستیم آن را مهار کنیم. مسئله ارتقاء بهره وری، توجه به ارزش اقتصادی، امنیتی و سیاسی آب در استحصال، عرضه و نگهداری و مصرف را مورد توجه قرار ندادیم. واقعا در مورد این سیاست در کشور، ارتقاء بهره وری انجام شده است؟ و بقیه هم به همین منوال بوده است. جمع بندی این است که نزدیک به ۸۰ درصد یا بیشتر از این سیاست ها بدون برنامه عمل هستند.

در سند سوم راهبردهای توسعه منابع آب ذکر شده است که در ۱۸ محور تبیین شده است. در اینجا به چند مورد از این فرازهای مهم و تعیین کننده اشاره می شود. رعایت ظرفیت تحمل حوزه های آبریز در برنامه های توسعه یکی از فرازها به شمار می رود. آیا به طور مثال، در دریاچه ارومیه این رعایت شد؟ توجه داشته باشید این سند حدوداً به سال

۱۳۸۲ بر می‌گردد. بنابر این بود که در عرض ۲۰ سال این اجرایی شود. البته معلوم است که این‌ها مسائل مهمی هستند و نمی‌شود یک شبه اجرا شوند. یا برای مثال گفته شد که سهم بخش کشاورزی از ۹۲ درصد به ۸۷ درصد کاهش پیدا کند. حالاً نه تنها در طول این ۱۳ سال گذشته، این اتفاق نیفتاده، بلکه برعکس هم شده است. الان گفته می‌شود که سهم کشاورزی حتی بیشتر از ۹۲ درصد است. یا ۲ برابر نمودن بازدهی هر مترمکعب آب در کشاورزی مطرح شده است. ارزیابی این است که در تمام این سیاست‌ها عملکرد ضعیفی داشتیم.

در سال ۱۳۸۴ هیأت دولت برای این ۱۸ راهبرد، ۷۴ راهکار اجرایی تعریف کرد که حرکت خوبی بود. اگر همه این ۷۴ راهکار اجرایی را ارزیابی کنیم خواهیم دید که در همان مسئله زبانی و کلمات متوقف ماندیم و حرکت محسوس و درستی را متأسفانه نداشتیم. به طور مثال در یکی از این سیاست‌های ۱۸ گانه از مدیریت جامع و توأمان عرضه و تقاضا سخن رفته و برای این کار ۸-۹ راهکار اجرایی مشخص شده است. ایجاد ساختار مناسب جهت اعمال مدیریت جامع‌نگر و به هم پیوسته در حوزه‌های آبریز نوشته شده است. در واقع یک راهبرد اجرایی است. ارزیابی کلی نشان می‌دهد عملکرد ما بسیار ضعیف است. یا راهبرد تقویت مبانی تصمیم‌گیری بر اساس مشارکت هر چه بیشتر ذینفعان در حوزه‌های آبریز مطرح شده است. کدام مکانیزم برای اجرایی شدن آن فعال شد؟ یا چیزهای مشابه دیگر. برای مثال تدوین لایحه جامع آب کشور که یک راهکار اجرایی است. الان نزدیک ۱۰ سال از شروع تدوین آن سپری شده، ولی هنوز آن لایحه را بیرون ندادیم. لایحه‌ای هم که الان به عنوان پیش‌نویس داده شده، دارای اشکالات است. به نظر می‌سد نه تنها کار را بهبودی نداشته، بلکه کار را بدتر هم کرده است. پیشنهاد می‌شود اگر فرصت شد قانون توزیع عادلانه آب یا قانون جدیدی هم که پیش‌نویس‌اش آماده شده را به نقد بکشیم و در یک جلسه‌ای باهم صحبت کنیم.

در مورد اسناد بالادستی در سطح بین‌المللی هم ۲ تا سند در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی سند کنفرانس ریو که در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید. یکی هم سند کنفرانس «ریو+۲۰» که در ۲ سال پیش و ۲۰ سال بعد از کنفرانس ریو منتشر شد. دلیل انتخاب این ۲ تا سند از بین ده‌ها سند بالادستی در سطح بین‌المللی، این است که هر دو سند به امضای بالاترین مقامات اجرایی کشورمان رسیده و کشور یک نوع تعهد بین‌المللی در اجرایی کردن آن دارد.

حاصل کنفرانس «ریو+۲۰» که تحت عنوان آینده مشترک ما در ۲ سال پیش ۲۰۱۲ در ریودوژانیرو برگزار شد، یک سند فوق العاده جالبی شد که از ۲۸۳ پاراگراف تشکیل شده و پاراگراف های ۱۱۹ تا ۱۲۴ آن مربوط به بخش آب است.

کاری که اینجا انجام شده این است که این پاراگراف ها را به اجزای مختلفی تفکیک شده است. مثلا پاراگراف ۱۱۹ به ۲ جزء، پاراگراف ۱۲۰ به ۳ جزء و بقیه نیز به همین منوال تقسیم شده اند.

۱۱۹-۱ آیا آب محور توسعه پایدار را در کشور تشکیل می دهد؟

۱۱۹-۲ آیا یکپارچه سازی مدیریت با توسعه پایدار محقق است؟

۱۲۰-۱ به نصف رسانیدن جمعیت بدون دسترسی به آب شرب سالم و بهداشتی تا ۲۰۱۵

۱۲۰-۲ به نصف رسانیدن جمعیت بدون دسترسی به سامانه های دفع بهداشتی فاضلاب تا ۲۰۱۵

۱۲۰-۳ تهیه و تدوین برنامه های ارتقای کارآیی آب

۱۲۱-۱ به رسمیت شناخته شدن حق بشر برای دسترسی به آب شرب و سامانه های دفع بهداشتی فاضلاب در قوانین کشور

۱۲۱-۲ تهیه و تدوین برنامه ملی برای دهه بین المللی آب ۲۰۰۵-۲۰۱۵

۱۲۲ تبیین و بکارگیری برنامه های مورد نیاز برای حفظ اکوسیستم های آبی

۱۲۳-۱ برنامه های مدیریت کنترل سیلاب (مدیریت ریسک)

۱۲۳-۲ برنامه های مدیریت خشکسالی و کم آبی

۱۲۳-۳ برنامه های استفاده از منابع آب غیر متعارف

۱۲۳-۴ تجهیز منابع مالی و سرمایه گذاری مورد نیاز

۱۲۴-۱ کاهش و کنترل آلودگی های منابع آب

۱۲۴-۲ ارتقا و توسعه تصفیه پساب ها

۱۲۴-۳ برنامه های کاهش تلفات آب

۱۲۴-۴ کمک ها و همکاری های بین المللی

هر کدام از اجزاء پاراگراف‌ها را از ۸ و ۹ منظر مورد بررسی قرار گرفته شده است. آیا برای آن موردی که گفته شده در کشور:

- اسناد بالادستی داریم؟
 - اسناد بالادستی در سطح بخش آب هم داریم؟
 - سیاست‌ها و استراتژی‌ها برای اجرای آن جزء داریم؟
 - اهداف کیفی برای آن تعریف شده است؟
 - برنامه‌ای عملیاتی برای آن تنظیم شده است؟
 - شاخص‌های پایش برای برنامه‌های عملیاتی وجود دارد؟
 - برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی مورد نیاز برای تحقق آن جزء چیست؟
 - نیاز به ظرفیت‌سازی دارد و ظرفیت‌ها برای اجرای آن، چگونه ساخته شده است؟
- جمع بندی این است که تنها ۴ درصد مطلوب بودیم و حدود ۷۰ درصد ضعیف یا فقدان داریم.

جمع بندی عوامل ارزیابی (ارقام به درصد)

عوامل ارزیابی	مطلوب	کافی	ضعیف	فقدان	جمع
وجود اسناد بالا دستی در سطح ملی	۶	۴۴	۲۵	۲۵	۱۰۰
وجود اسناد بالا دستی در سطح بخش آب	۶	۶۳	۲۵	۶	۱۰۰
وجود سیاست‌ها و استراتژی‌ها	۶	۵۶	۳۲	۶	۱۰۰
وجود اهداف کافی	۶	۲۵	۶۳	۶	۱۰۰
وجود برنامه عملیاتی	۶	۱۳	۷۵	۶	۱۰۰
وجود شاخص‌های پایش	۰	۰	۱۹	۸۱	۱۰۰
وجود برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی	۰	۰	۵۰	۵۰	۱۰۰
وجود برنامه‌های ظرفیت‌سازی	۰	۶	۳۱	۶۳	۱۰۰
متوسط	۴	۲۶	۴۰	۳۰	۱۰۰

اگر سه چهار جمله بخواهیم در موردش صحبت کنیم مشکلات اینها هستند. در نگاه کلان تنها ۳۰ درصد از فعالیت‌های مدیریتی در حد مطلوب و کافی است و ۷۰ درصد در وضعیت ضعیف یا فقدان قرار دارد. نکته جالب این است که از سطح اسناد بالادستی به سمت برنامه‌های عملیاتی، امتیاز فعالیت‌ها کاهش پیدا می‌کند. یعنی وقتی به سمت برنامه‌های عملیاتی و اجرایی می‌آییم، به تدریج کاهش پیدا می‌کند و بالاخره نتیجه‌گیری بسیار حساس و مهم در این بررسی این است که اصولاً جنبه‌های پژوهشی و تحقیقاتی و ظرفیت‌سازی در اجرای برنامه‌ها، از ضعیف‌ترین حلقه‌های این فرایند است. در حالی که اصلاً مهم‌ترین عامل برای ایجاد حرکت و جنبش، یکی تحقیقات است و دیگری ایجاد ظرفیت‌هاست. چه نیروی انسانی باشد، چه نهادسازی و چه سایر جنبه‌های ظرفیت‌سازی.

علاوه بر این سند، در بخش آب سند کنفرانس ریو که به عنوان دستور کار ۲۱ معروف است که فصل هجدهم این دستور کار است، ۷ تا برنامه گفته شده و کشورها متعهد شده‌اند: توسعه و مدیریت یکپارچه، ارزیابی منابع آب، حفاظت منابع آب، اکوسیستم‌های آبی، تأمین آب شرب سالم و سامانه‌های دفع بهداشتی و فاضلاب، آب و توسعه شهری، آب و توسعه پایدار مواد غذایی و روستایی و اثرات تغییر اقلیم در مدیریت منابع آب. این برنامه‌هایی است که ۲۰ سال پیش گفته شده و کشورها متعهد شده‌اند. در این مورد هم ما چندان قوی عمل نکردیم.

اما اینها کیفیت‌ها بودند، نگاهی هم به کمیّت‌ها داشته باشیم. فعالیت‌های وزارت نیرو را می‌توان در ۴ محور خلاصه کرد. ۹۰ تا ۹۵ درصد فعالیت‌ها در طول سال‌های گذشته در شبکه‌ها، و تأمین آب، آب‌های زیرزمینی و تأمین آب شرب بوده است. به منظور آسیب‌شناسی، یک نگاهی هم به این کمیّت‌ها داشته باشیم. من این اطلاعات را از اسناد عملکرد وزارت نیرو گرفته‌ام. بر طبق این اطلاعات:

- ما ۴ میلیون هکتار شبکه آبیاری و زهکشی اصلی داریم که ۱/۶ میلیون هکتار احداث شده و ۲/۴ احداث نشده است. درصد عقب ماندگی ما ۶۰ درصد است.
- شبکه‌های فرعی را اگر ۴ میلیون در نظر بگیریم، (البته این اطلاعات مربوط به عملکرد سال ۱۳۷۸ است که از عملکرد ۳۰ ساله وزارت نیرو استخراج شده است. ممکن است درصدها کمی تغییر کرده باشد ولی در

اصل خیلی اتفاقی نیفتاده است) ما ۴ میلیون شبکه فرعی در کل اراضی داریم، ۳۵۰ هزار هکتار فقط شبکه فرعی ایجاد شده است. یعنی ۹۱ درصد عقب افتادگی داریم.

• اگر شبکه‌های فرعی را نسبت به شبکه‌های اصلی اجرا شده یعنی $1/6$ میلیون هکتار در نظر بگیرید باز هم نزدیک ۷۸ درصد عقب افتادگی داریم.

این معلوم است که ما تأمین آب کردیم ولی نتوانستیم به دست مصرف کننده‌های نهایی که باید از آن استفاده کنند برساییم. این یک اشکال است. ما اصلاً کاری به نهاد مسئول یا مقصر نداریم. عملکرد کشور است و باید در برنامه ششم و برنامه‌های بعدی کاری بکنیم که این اتفاق نیفتد.

یک بحثی هم در مورد تأمین آب داشته باشیم. این مسئله تعداد سدها را از ادبیات مدیریت آب حذف بکنیم و بیشتر بپردازیم به این که این سدهایی که ساخته شده چه کار می‌کنند؟ ما قبل از انقلاب بر اساس اطلاعات خود وزارت نیرو ۱۹ تا سد داشتیم که ۱۴ و خورده‌ای میلیارد متر مکعب ظرفیت تنظیم آنها بوده است. بعد از انقلاب تا پایان ۷۸، ۵۴۶ سد ساختیم و این‌ها ۲۳ هزار میلیون متر مکعب تنظیم آب داشتند. یعنی در حالی که تعداد سدهای ما ۲۹، ۳۰ برابر شده است، آب تنظیم شده ما فقط $1/6$ برابر شده است. بنابراین برای ما مهم نیست چند تا سد ساختیم. برای ما مهم این است که چقدر توانستیم به ظرفیت‌ها اضافه کنیم و چگونه اینها توانسته‌اند عملکرد داشته باشند؟

نگاهی هم به اعداد و ارقام آب شرب داشته باشیم. باز این اطلاعات سال ۹۱ است که از سایت وزارت نیرو و از شرکت آب و فاضلاب گرفته شده است. دوستان ما در آب و فاضلاب یک عددی دارند به اسم جمعیت قلمرو. استنباط این است که این شرکت‌های آب و فاضلاب شهری یا روستایی که وجود دارند، جمعیت‌هایی که تحت پوشش این شرکت‌ها قرار می‌گیرد $55/9$ میلیون نفر هستند و دوستان عنوان می‌کنند که ما الان $98/67$ درصد جمعیت قلمرو را تحت پوشش آب شرب قرار دادیم. ولی جمعیت کشور که ۷۵ میلیون نفر است و این نسبت ۷۳ درصد می‌شود. وضعیت فاضلاب که خیلی بدتر است. جمعیت قلمرو ۵۵ میلیون، جمعیت تحت پوشش قلمرو ۲۱ میلیون و جمعیت تحت پوشش ۳۸ درصد است. خیلی شاخص پایینی است. حالا اگر این جمعیت قلمرو را به جمعیت کل کشور تعمیم بدهیم فقط ۲۹ درصد می‌شود.

یک نگاهی هم به آب زیرزمینی داشته باشیم. حداکثر برداشت مجاز ۵۰ میلیارد مترمکعب است که البته تغذیه طبیعی حدود ۳۰ میلیارد است و گفته می‌شود ۲۰ میلیارد از طریق آب های برگشتی نفوذ می‌کند. برداشت کنونی از منابع آب زیرزمینی ۶۱ میلیارد مترمکعب و حدود ۱۱ میلیارد مترمکعب اضافه برداشت است (بیلان منفی ۱۱ میلیارد). اگر ما بخواهیم جایگزین این ۱۱ میلیارد را همین امروز داشته باشیم، اگر ۲ دلار انتقال آب را حساب کنیم (مثلاً شیرین کردن آب را در نظر بگیریم)، یعنی ارزش از دست رفته سالانه این اضافه برداشت، ۲۲ هزار میلیارد دلار است.

اما توصیه‌ها. به نظر می‌رسد دو اشتباه استراتژیک در فرایند مدیریت آب کشور رخ داد که اگر این دو اشتباه را اصلاح کنیم کاملاً امیدوار هستم که ما می‌توانیم با وجود ظرفیت‌های خوب در کشور، بر بحران آب فائق بیاییم. یک برداشت ناصحیح از دوره مدیریت عرضه انجام گرفته است. کسی اعتقادی ندارد که جفای اصلی را ایجاد سدهای مخزنی در کشور بعمل آورده‌اند. ما یک دوره تاریخی باید داشته باشیم و این دوره تاریخی، در همه کشورها تکرار شده و آن مدیریت عرضه آب است. ولی اشکال آن در این است که ما ناصحیح این برداشت را داشتیم و فکر کردیم که همه مسائل مدیریت آب کشور را از طریق عرضه آب می‌توانیم حل کنیم. این یک اشتباه استراتژیک است.

اشتباه استراتژیک دوم این است که تلقی از محیط‌زیست به عنوان یک امر تزئینی و غیرضروری بوده است. واقعیت مسئله این است که ما فکر می‌کردیم که هنوز باید کارهای زیادی را انجام بدهیم. محیط‌زیست فعلاً یک امر فانتری هست و آنهایی که راجع به محیط‌زیست صحبت می‌کنند کارهای خود را انجام دادند و بعد به سراغ محیط‌زیست رفته‌اند. این هم اشتباه استراتژیک است. نتیجه تلفیق این دو تا اشتباه استراتژیک این شده است که ما برآورد آثار و تبعات منفی مدیریت عرضه را نداشته‌ایم. چون اساساً فکر می‌کردیم که مدیریت عرضه تماماً مثبت است. بنابراین هیچ تدارکی برای بررسی آثار و تبعات منفی آن انجام ندادیم و شرایط گذر از دوران مدیریت عرضه به تقاضا را فراهم نکرده‌ایم که بتوانیم با تسلط بیشتر و با هزینه‌های کمتر این دوران گذر را عبور بدهیم.

اما راهکار چیست؟

در جدول زیر پارادایم های حاکم بر مدیریت آب در گذشته در سمت راست هستند. بخشی نگری. تک تخصصی. فکر کردیم که با پول و تکنولوژی می توانیم همه مسائل آب کشور را حل کنیم. مدیریت فن آور، تصمیم گیری متمرکز، برنامه ریزی نقطه ای. ما وقتی یک سد را می ساختیم دیگر کاری نداشتیم که بالا و پایین آن به چه ترتیب ممکن است باشد و لذا منبع آب را به عنوان یک منبع انتزاعی دیدیم. در حالیکه منابع آب در یک حوزه آبریز کاملاً به هم وابسته اند. پارادایم جدیدی که می تواند ما را به حل و فصل مدیریت آب کشور رهنمون کند ستون دومی است. نگرش یکپارچه و سیستمی، چند تخصصی، چند نظامی، چندرشته ای، ملاحظه ارزش های اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، تعامل از بالا به پایین و از پایین به بالا، دو سویه بودن این ارتباطات، برنامه ریزی حوزه ای و یکپارچگی منابع طبیعی و لحاظ اثرات متقابل آن ها بر یکدیگر.

ویژگی های پارادایم های قدیم و جدید منابع آب

ویژگی های پارادایم جدید مدیریت منابع آب	ویژگی های پارادایم قدیم مدیریت منابع آب
نگرش یکپارچه و سیستمی	نگرش بخشی
چندتخصصی	تک تخصصی
ملاحظه ارزش ها	مدیریت فن محور
تعامل از پایین به بالا و بالا به پایین	تصمیم گیری متمرکز و سیاسی
برنامه ریزی حوضه آبریز	برنامه ریزی نقطه ای
یکپارچگی منابع طبیعی و لحاظ اثرات متقابل آن ها بر یکدیگر	منبع آب یک سیستم طبیعی انتزاعی

۴. آقای فاضلی

من بعد از یک جمع بندی کوتاه و چند تا سؤال می‌پرسم. یک نکته این است که همه چیز در این کشور قدیمی است. بحران آب قدیمی است. حرف‌های قشنگ قدیمی است. اسناد قدیمی‌اند. آن چه وجود ندارد چند تا چیز جدید است. از گروه‌هایی که بعداً می‌خواهند به گفتگو بیوندند و حتی اعضای پنل، درخواست می‌شود که اگر این چند موضوع را که در ادامه می‌آید، بتوانیم پاسخ بدهیم شاید بتوانیم در انتهای این نشست‌ها در اسفندماه امسال جمع‌بندی دقیق‌تری داشته باشیم.

۱. ارزیابی دقیق چرایی اجرا نشدن سیاست‌های آب. ما در این مجموعه گفتگوها باید پاسخ بدهیم که چرا اینها اجرا نمی‌شوند و ما کماکان در حد کلمات و تعابیر زیبا باقی می‌مانیم. چرا تحویل حجمی آب اجرا نشد؟ همه می‌دانستیم خوب است ولی اجرا نکردیم. چرا مدیریت تقاضای آب و مصرف معقول، خصوصاً در بخش کشاورزی عملیاتی نشد؟

۲. اگر محققینی در حوزه آب هستند که توصیه‌های سیاستی مشخص برای اصلاح قانون توزیع عادلانه آب دارند پیشنهاد کنند. من به نمایندگی از مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری قول می‌دهم که بررسی کنیم و به بحث و گفتگو بگذاریم. در این جلسات و جلسات تخصصی‌تر شرایطی فراهم کنیم که این اصلاح قانون توزیع عادلانه آب در دستور کار قرار بگیرد.

۳. توصیه‌های سیاستی در خصوص ارتقاء بهره‌وری آب. این هم از آن مسائل قدیمی است. حداقل من ۲۰ سال است که یادم است دنبال ارتقاء بهره‌وری آب هستیم. ولی سؤال اصلی این است که چرا هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

۴. برشمردن مصادیق دقیق رعایت نشدن ظرفیت تحمل حوزه‌های آبریز. به یک مورد یعنی حوزه آبریز ارومیه اشاره کردند، ولی ما گویی احتیاج به اطلاعات جزئی‌تری داریم که چگونه ما در انجام اقدامات گوناگون در استان‌های مختلف در حوزه‌های آبریز مختلف ظرفیت تحمل آبریزها را رعایت نکردیم.

۵. راهکارهای تحقق افزایش بهره‌وری.

۶. چگونه محیط زیست امر تزئینی نباشد؟ حداقل یک دهه است که بحث می کنیم که محیط زیست امر تزئینی نباشد ولی در همین کشور ۶۳ تا نماینده مجلس نامه می نویسند و خواستار انحلال سازمان محیط زیست می شوند. این دو حرف با هم تناقض دارند. آقای مهندس به درستی نگرش یکپارچه سیستمی را مطرح کردند. من سال ۷۱، دانشجوی مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی امیر کبیر بودم. آن موقع هم استاد ما از فقدان نگرش یکپارچه سیستمی می گفت. این موضوع را به گفتگو بگذاریم و بحث کنیم که چگونه می توان نگرش یکپارچه سیستمی را عملیاتی کرد؟ چند تخصصی بودن مطرح می شود.

هم اینک که بر گفتگوی اجتماعی تأکید می کنیم و می گوئیم آب باید مسئله اجتماعی شود، در همین وزارت نیروی فعلی، یکی از مقامات وزارت خانه نامه می نویسد و استدلال های یک گروه از مخالفان یا منتقدان یک سد را عبارت های احساسی درباره سد می نامد. یعنی این دو تا تناقض جدی دارند. فضای کلی جامعه و لحاظ کردن اثرات متقابل را باید مدنظر قرار دهیم. حداقل در دنیا از طریق ارزیابی تاثیر زیست محیطی و اجتماعی سعی کردند این اثرات متقابل را لحاظ کنند ولی کماکان هر دو قانون یعنی هر دو حوزه از دانش اجرا نمی شود. من این را برای ادامه گفتگوها عرض کردم. اگر متخصصین پیشنهادها و ایده های سیاستی داشته باشند، از اصلاح حقوقی در سطح قانون تا توصیه هایی برای عملیاتی کردن و اجرایی کردن یک مقوله، هم دبیرخانه مجموعه گفتگوها و هم مجموعه مرکز بررسی ها از چنین گفتگوهایی استقبال و حمایت می کنند.

۵. آقای مهندس جعفر غفاری شیروان

بنده بیش از ۱۰ سال در برنامه‌ریزی کشور بودم. همانطور که آقایان اسفندیاری و هم آقای جهانی توضیح دادند، اسناد بالادستی با توجه به سیر تطوری که در مدیریت آب کشور و مدیریت کلان کشور صورت گرفت تکوین پیدا کرده‌اند. سند بالادستی سیاست‌های کلی نظام در سال ۷۹، یک سند متعالی است با مدیریت به هم پیوسته و جامعی که در چرخه آب تعریف شده است. این نشان می‌دهد که نگاهی که در سطح بین‌الملل بوده، در اینجا هم مطرح بوده است. دولت بلافصل این را در سال ۸۲ سیاست‌های اجرایی در واقع در سطح مدیریت اجرایی کشور در ۱۸ محور مصوب کرده است. در اسناد برنامه سوم که شاید قبل از سیاست‌های کلی نظام تهیه شده بود این توجه به این شکل منظم نشده بود. ولی در برنامه چهارم این ۱۸ تا محور قطعاً و عیناً مورد توجه قرار گرفته است.

اسناد بخشی یا فرابخشی هم بین بخشهایی که در ارتباط با مدیریت آب هستند تهیه شد. ولی برگردیم به اینکه این موضوع چه زمانی تهیه شد؟ در سال ۱۳۸۴ چنین اسنادی مصوب شد. اسناد اجرایی بخشی و فرابخشی بین وزارت خانه‌های مسئول که با همدیگر متعهد شدند این کار را انجام بدهند تهیه و مصوب دولت هم شد. ولی چه شد که برنامه چهارم اجرا نشد؟ برنامه پنجم هم به تبع آن، همان روش را دنبال کرده ولی عمل نشد. فقط یک مورد را خدمتتان عرض کنم قرار بود در برنامه ۲۵ درصد منابع آب زیرزمینی را بهبود ببخشیم. این اتفاق نیفتاد. برنامه پنجم هم که اینک، یک سال مانده تا تمام شود قرار است باز هم ۲۵ درصد بهبود ببخشیم که نشد. این کار بین وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی تقسیم شده بود که هر کسی وظیفه خود را انجام بدهد که این خود، به هم پیوستگی نیست. باید سندهای مشترک اجرایی تهیه شود. این در سطح دولتی است. ولی نهادهای دولتی را که کنار بگذاریم، نهادهای مردمی و ذینفعان و بهره‌برداران را به درستی مورد توجه قرار ندادیم. ما نهادسازی نکردیم. منظور دولت نیست بلکه در بخش کشاورزی و همینطور بخش مردم‌نهاد کاری نکردیم و اینها ارتباطی با این برنامه‌ها ندارند. چگونه می‌تواند اتفاق بیفتد؟ این در عرصه باید اتفاق بیفتد. طبیعی است که این اسناد بالادستی بسیار عالی و متعالی عملاً به اجرا نمی‌رسد و موفق نمی‌شود. ما این جا مشکل داریم.

اگر از دید IWRM ببینیم قوانین ما اشکال دارد. قانون توزیع عادلانه ما، با یک دید انقلابی بعد از انقلاب در اوایل دهه ۶۰ تهیه شده و مصوب شده و اگر همان اجرا می شد خیلی خوب بود. ولی مشارکت مردم در آن نیست. لذا این قانون باید عوض شود. ولی در سیر تحولات اجرای قوانین و قانون توزیع عادلانه آب می بینیم که قوانینی بروز می کنند که برعکس عمل می کنند. از جمله مجاز کردن چاه های غیر مجاز یا حذف حق النظاره. این ها درست است که در سطح دولت است ولی تاثیر خود را بر جای می گذارد.

از ۶۰۹ دشت حدود ۳۰۰ دشت بسیار بحرانی است. این از منظر آب زیر زمینی است. پس ما یک به هم پیوستگی از منظر هم سیاست ها، هم نهادها و هم ابزارهای مدیریتی احتیاج داریم. ما ارزیابی مان از منابع و مصارف چیست؟ ما در دوره برنامه سوم سعی کردیم که ردیف هایی را برای تعادل بخشی آب های زیرزمینی بگذاریم و این کار را کردیم. حوزه ها را تجهیز کنیم. این ها جزء طرح های عمرانی نیستند و جزو کارهای جاری هستند. چون بخش آب فاقد منابع است اجباراً از بخش عمرانی تخصیص دادیم. چون پایه و اساس ارزیابی های منابع و مصارف، تجهیز کردن حوزه هاست. این کار شده ولی عملاً چه اتفاقی افتاده است؟ آیا آمار و اطلاعات ما درست است؟ آمار و اطلاعات ما مشکل و علامت سؤال دارد. نتوانستیم این را به درستی عمل کنیم. این ها همه نقدهایی است که بر همه ما وارد است. از سطح کلان تا سطح خرد این اتفاقات افتاده است.

حالا چاره چیست؟ چاره این است که ببینیم چگونه می توان نهادهای مردمی و ذینفعان را مشارکت داد؟ ما مسائل اجتماعی را فراموش کردیم. بالاخره چاه دارها و آنهایی که در یک دشت آب زیرزمینی مجوز گرفتند، ذینفع هستند. آن ها در مدیریت آن دشت هم می توانند کمک و مشارکت داشته باشند. حکمرانی بالا به پایین نمی شود. حکمرانی آب باید مشارکتی باشد. در این موضوع، از سال ۱۹۷۷ میلادی بحث شده و یک اجبار بین المللی است و ما هیچ وقت نتوانستیم با این اسناد بین المللی خودمان را تطبیق بدهیم. یک مقدار هم فارغ از طبیعت خود و جغرافیای طبیعی کشورمان حرکت کردیم.

وقتی این جا راجع به منابع و مصارف آب صحبت می شود کلان صحبت می کنیم و این غلط است. حوزه آبریز با همديگر باید مجزا دیده شوند. الان مشکل ما در مناطق مرکزی ایران جداست. در آن هم باید حوزه های درجه دو را

جدا کنیم و همه این‌ها را کلان بینیم. از همه بدتر حوزه قره قوم ماست که الان سرانه آب ۵۰۰ متر مکعب است. ولی بارگذاری خیلی بالاست. چه از نظر جمعیتی، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر خدماتی در حوزه قره قوم یعنی دشت مشهد، بارگذاری خیلی بالاست. شرق کشور مشکل اش هم حاد است.

خوب این‌ها برای چیست؟ آیا دلیل این است که اسناد بالادستی خوبی نداریم؟ نه، خیلی هم خوب بوده است. ولی در عمل اجرا نشده است. ما نتوانستیم سندهای اجرایی را مشترکاً در سطح دولت با همکاری مردم تهیه کنیم. به عقیده من، در حکمرانی آب باید یک اتفاقی بیفتد و آن جامعه محور بودن مدیریت آب است. الان جامعه محور نیست و این دغدغه باید دغدغه عمومی باشد. خیلی جاها دوستان ما می‌گویند ما چرا به شرایط بومی برنگردیم؟ شرایط بومی یعنی همین حالا. جمعیت ما در سال ۱۲۸۰، ۷/۸ میلیون نفر بوده و الان به ۷۸ میلیون نفر رسیده است. توزیع جمعیت ما چگونه بوده است؟ زمان و مکان را فراموش می‌کنیم.

در مدیریت آب و وضعیت امروز همه ما دخیل بودیم. از فرد فرد انسان‌هایی که در استفاده از آب خانه دخیل‌اند تا آن‌هایی که سیاست‌گذار هستند. ما باید سعی کنیم این مدیریت مشارکتی بیشتر مد نظر قرار گیرد و آب دغدغه درونی هر فرد گردد. دغدغه درونی یعنی آن چیزی که شما را در مدیریت مصرف محدود می‌کند و خود را با آن تنظیم می‌کنید. آیا ما توانستیم در جامعه این دغدغه درونی را ایجاد کنیم؟ چنین دغدغه‌ای نیست. لذا در بحث مشارکت بفرمایید که ما چگونه می‌توانیم حکمرانی آب را با مشارکت مردم پیش ببریم؟

نقش مردم باید پررنگ‌تر باشد. چون مدیریت آب را نمی‌شود از بالا به پایین و با پلیس و نظایر این انجام داد. برای مثال تحویل حجمی یک مقوله اندازه‌گیری است. یک ابزار است که مردم اگر می‌خواهند دخالت کنند خودشان باید از نظر اندازه‌گیری دخالت کنند. منتها باید دولت پشتیبانی کند. قوای سه‌گانه باید با هم به اجماع برسند. مهم‌تر این است که طرح جامع چندین بار به روز شده و الان هم در حال به روز شدن است. ولی اجرا نمی‌شود و مبنای قرار نمی‌گیرد.

نکته این که منابع زیستی کشور بر اساس هکتار ۰/۸۴ سرانه است. ما سه برابر این مصرف داریم. زیستی منظور تمام فعالیت‌ها اعم از غذا و فعالیت‌های اقتصادی است. همه این‌ها سرجمع به هکتار ثبت می‌شود. ما سه برابر ۰/۸۴

مصرف می‌کنیم. یعنی علاوه بر اینکه از ذخایرمان استفاده می‌کنیم. مجموعه را باید با هم دید. منابع زیستی ما محدود است. باید برگردیم به آن ۰/۸۴ که از آن بسیار عبور کردیم. چگونه تنظیم کنیم که بتوانیم با تجارت صحیح، آب مجازی را وارد کنیم؟ چگونه منابع زیستی مان را سامان بدهیم؟ من فقط خواستم اشاره کنم که ما باید برای پایداری ایران فکر کنیم که برای نسل‌های آینده هم بماند.

۶. آقای محمد حسین شریعتمداری

شاید چون صحبت‌های من زیاد در زمینه مسائل آب نیست به شکلی که عزیزان فرمودند، این استنباط را به وجود بیاورد که خارج از موضوع است. ولی به دلیل اشتغالاتی که در مسائل کشاورزی و آب داشته و دارم، تا حدی بسیار کم با مسائل آب آشنا شدم. در صحبت‌هایی که شد مجموعاً به این جا رسیدیم که الان دچار یک چالش بزرگ آب هستیم. چرا به چیزهایی که نوشته بودیم توجه نشد؟ چه کار کردیم که علی‌رغم قوانین و مقرراتی که داشتیم موفق نشدیم که مسائل آبی خود را حل کنیم و سال به سال یک وضعیت بهتری پیدا نکردیم؟ و برعکس وضعیت بدتری پیدا کردیم که الان مسئله آب در کشور ما یک مسئله حساسی شده و حتی مقالات روزنامه‌های مهم جهان هم در مورد ما می‌نویسند که کشور ایران آینده مطلوبی از نظر آبی ندارد. ما در منطقه‌ای قرار گرفتیم که آب مسئله بحرانی آن است. از شمال غرب چین گرفته تا قسمتی از شمال هند تا بیاید به ایران و مجموعاً برود خاورمیانه تا شمال آفریقا، به جز ترکیه. این بحرانی‌ترین منطقه جهان از نظر آب است. به دلیل این که این منطقه، بیش از ۷۵ درصد از آب تجدیدشونده خود استفاده می‌کنند. ما هم جزء یکی از این کشورها هستیم. منتها ما باید به این نکته توجه کنیم که ما از چه زمانی دچار این بحران و مشکل شدیم؟

از سال ۴۴ که ما از هر ۲۸ دشت مان یک دشت ممنوعه بود تا الان که از هر ۲ دشت یکی ممنوعه است. یعنی یک دشت ممنوعه است و یک دشت غیرممنوعه. دشت‌های غیرممنوعه ما هم پشت سر ردیف ایستادند که به ممنوعه‌ها پیوندند. از آن موقع صدایش بیرون آمد. موقعی که ۲۲ دشت ممنوعه بود همینطور تا سال ۵۷ که حدود پنجاه دشت ممنوعه شد و الان که ۲۹۸ دشت ممنوعه است. در کنار ممنوع شدن دشت‌ها، پایین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی و شور شدن آب‌ها که از نظر کشاورزی خطر و خسارتی بسیار بیش از کاهش منابع آب دارد و شدیداً عملکرد و بهره‌وری را پایین می‌آورد. این‌ها از اتفاقاتی است که در طول این مدت افتاده است. خشکسالی‌ها هر از مدتی انداز و هشدار می‌دهد، ما می‌داد، مثل خشکسالی سال ۴۱ و ۴۲، خشکسالی سال ۴۷، ۲ تا خشکسالی دهه ۶۰، ۵ تا خشکسالی دهه ۷۰ و ۲ یا ۳ خشکسالی دهه ۸۰. این‌ها مجموعاً هشدار می‌داد ولی نه این که ما را به فکر وادارد؛ یعنی به فکر راهکار بیاندازد. حالا به این شکل همه به فکر افتادند و تازه هشدار می‌دهند. من فکر می‌کنم واقعاً وزارت نیرو الان

رسالت ملی خودش را انجام می‌دهد که به مردم اعلام می‌کند که وضع آب چنین است و چاره‌اندیشی کنید و همه دست به دست هم بدهید.

یکی از مسائلی که من می‌خواهم پیشنهاد بدهم خدمت جناب آقای جهانی و آقای مهندس اسفندیاری و بقیه مخصوصاً اندیشکده که مبتکر تشکیل این جلسات شده، این است که فقط نگوییم این مصوبات و قانون عادلانه آب و قانون جامع آب اجرا نشده است. بیاییم بگوییم چرا اجرا نشده است؟ آیا واقعاً قابلیت اجرایی نداشته است؟ آیا اعتبار و تسهیلات و پول به اندازه کافی نبوده است؟ یا وسط راه فهمیدند نیازی نبوده و اجرا نکردند؟ یا آیا موضوعی که در آخرین قسمت فرمایش آقای مهندس جهانی بوده و مصیبتی بالاتر از همه چیز است این است که ما ظرفیت لازم برای رفع مشکلات ایجاد نکردیم. بعد از ۴۰ یا ۵۰ سال می‌توانیم بگوییم این مصیبت است. چون ظرفیت لازم برای انجام پروژه‌ها، طرح‌ها و کارها ایجاد نکردیم. نظر من این است که تمام این آسیب‌شناسی‌ها در جزئیاتش شناسایی بشود که الان که ما می‌خواهیم کار جدید در مملکت راه بیفتد، ببینیم چه کارهایی نباید بکنیم. چه چیزهایی باید بنویسیم که بتوانیم اجرا کنیم. خیلی چیزها را ممکن است آدم بنویسد ولی نتواند اجرا کند و آرزوهای دست نیافتنی باشد.

در مورد مسئله دخالت دادن مردم از دهه ۴۰ به این سو، سیاست عدم مداخله مردم در تصمیم‌گیری‌هایی اعمال شده است. ما الان می‌خواهیم مردم را برگردانیم که کار آسانی نیست. آقای ماهاتیر محمد در آخرین جلسه‌ای که تقریباً ۷ و ۸ سال پیش به ایران آمد، در برنامه ساعت ۱۰ شب که آقای حیدری اجرا می‌کرد موقعی که آقای حیدری سؤال کردند که بزرگ‌ترین مشکل شما برای واگذاری کلیه امور به مردم چیست، گفت کار آسانی نیست. پیکره جامعه و پیکره دولت مانع این کار است. نه این که کسی هم مقصر باشد. این در دولت و در حکمرانی ساماندهی شده است که مردم ناتوانند. من یک تجربه‌ای را بگویم. ما یک انجمن خشکسالی داشتیم. الان هم داریم که تعدادی از افراد برجسته کشور عضو آن هستند. آقای دکتر زرگر هم رئیس هیئت مدیره ماست که از موقعی که ایشان استاندار اصفهان شده دیگر جلساتمان تشکیل نمی‌شود. البته من هم یک گرفتاری‌هایی پیدا کردم. یک روز به من گفت فلان واحد علمی قرار است با ما همکاری کند. ما در آن جمع عزیزان رفتیم. آدم‌های برجسته علمی بودند که قرار گذاشته بودند با ما همکاری کنند. ما ضمن اینکه تشریح کردیم این انجمن مردمی است و علمی نیست، انجمن

سازوکار با خشکسالی را درست کردیم که مردم و کشاورزها هم عضو هستند. گفته شد که مگر کشاورزها چیزی از این مسائل می‌دانند؟ گفتم شما آیا بررسی کردید که کشاورزها چیزی نمی‌دانند؟ گفتند آره. گفتیم مثلاً شما کجاها بررسی کردید؟ گفتند در جلگه رخ هم ما آزمایش کردیم و یک مطالعه میدانی انجام دادیم. از آنجا که من به مسئله جلگه رخ و مسئله دشت‌های کشور آگاه بودم گفتم که شما می‌دانید کشاورزان جلگه رخ از نظر دانش علمی در چه حدی هستند؟ گفت بله. گفتم شما می‌دانید یکی از کشاورزان آن جا از هر هکتار، ۹۰ تن سیب زمینی با ۷۰۰۰ متر مکعب آب برداشت می‌کند؟ آیا می‌دانید این کشاورز ۱۰ تن عملکرد گندم دارد؟ آیا می‌دانید این کشاورز از لهستان هم توریست دارد؟ آیا می‌دانید این کشاورز در کانادا مزرعه دارد؟ آیا می‌دانید این کشاورز از جیب خود هزینه می‌کند و هر دو یا سه سال یک کتاب زیست‌محیطی از مستر براون ترجمه می‌کند و بین مردم توزیع می‌کند؟

یکی از اشکالات ما این است (که آقای مهندس غفاری شیروان نگران بودند که مردم در تصمیم‌گیری‌ها حضور ندارند) که ما باید راهکار حضور مردم و ذینفعان در عرصه‌هایی که مربوط به خودشان است را پیدا کنیم و باور کنیم که آن‌ها هم می‌توانند ما را راهنمایی کنند. همین آب قنوت و آب‌چاه‌ها که تا قبل از سال ۴۴ دست مردم بود، خودشان مدیریت می‌کردند و نمی‌گذاشتند حریم چاه‌ها و قنوت مخدوش شود. پدر من یک قناتی داشت که بعضی وقت‌ها ما همراهش می‌رفتیم. می‌گفت این چاهی که این جا زدند اندازه بگیریم و ببینیم چقدر است. اگر تخلفی صورت گرفته باشد باید برویم دادگاه شکایت کنیم و می‌رفتند شکایت می‌کردند و دادگاه فوری در چاه را می‌بست. بنابراین ما کلیه جلساتی که داریم (من در این هفته ششمین جلسه ام است که راجع به مسائل آب شرکت می‌کنم و چقدر هم لذت می‌برم) همه جوان‌ها، مسن‌ها، محققان و کشاورزان که البته کم حضور دارند به این فکر افتادند که به این جریان کمک کنند. با تلاش کم کم یک وفاق ملی در کشور شکل می‌گیرد که همه بلند شوند و به کمک دستگاه‌های اجرایی این مسئله را حل کنند. البته اگر دستگاه اجرایی فکر می‌کند که ول کند و به دست مردم بسپارد، نمی‌شود، چون مردم شما را ول نمی‌کنند و می‌گویند باید بیایید با کمک هم مسئله را حل کنیم. چند تا مثال هم من زدم.

در نیشابور که بحرانی ترین دشت کشور است و همه می گفتند تا ۳ سال دیگر نیشابوری در عرصه جغرافیایی کشور وجود نخواهد داشت، مردم آمدند و یک ماه و نیم دو ماه پیش نخست تکلیف چاه‌های غیر مجاز را روشن کردند و بعد گفتند هر کس به اندازه مجوزش از چاه آب بردارد. اگر ۳۰ لیتر است ۳۰ لیتر. آن کسی که مسئول بود به من می گفت که ۵ متر مکعب در ثانیه آب صرفه‌جویی کردند یعنی ۱۵۵ میلیون متر مکعب در سال. من به آن‌ها گفتم اگر شما یک قدم دیگر بردارید و آن‌هایی که مجوز دارند هر کدام ۱۵ یا ۲۰ درصد کم کنند مشکل حل می‌شود. آقای مهندس حجتی یک تقسیمی کرد و گفت ۱۰ میلیارد متر مکعب تقسیم بر ۳۰۰ دشت بحرانی به طور متوسط ۳۰ میلیون می‌شود. گفت این ۳۰ میلیون چیزی نیست که نشود حل کنیم. خودشان که به تربت حیدریه رفته بودند همه قبول کردند مشکل‌شان را حل کنند و در زمستان سه ماه و نیم تا چهار ماه از سال اصلاً بهره‌برداری نکنند. چهار سال این کار را انجام دهند. البته به شرطی که در کنار آن، وزارت نیرو و دستگاه‌های مسئول به عنوان دارا بودن اشخاص برجسته از نظر تکنولوژی و علم و دانش و این‌ها همه در کنار مردم باشند و کمک کنند. چند پیشنهاد خدمت عزیزان ارائه می‌کنم.

- دیر نشده است. فقط دیر شدن از یک جهت نگرانی دارد که اگر امسال در این مملکت، یک باران ۳۰۰ میلی متری بیاید دو مرتبه همه رها می‌کنند و می‌گویند همه چیز درست شد. نمونه دارد و من طی این چهل و خورده‌ای سالی که با مسائل کشاورزی سر و کار داشتم همه می‌گفتند یک کاری کنیم بعد می‌گفتند باران آمد و خدا کمک کرد و همه چیز درست شد.
- به یک اراده‌ای برسیم. برای این یک مسئله، راهکار وجود دارد. هنوز دشت‌هایی که بحرانی هستند زیرشان زایش دارند و از بین نرفته‌اند که نازا باشند. هنوز اگر کار کنیم می‌توانیم این مسئله را برگردانیم و متعادل کنیم. تعادل‌سازی تنها به این معنی نیست که برویم آب چاه‌ها را ببندیم. تکنولوژی‌هایی که در دنیا آمده، حائز اهمیت است. در سال ۱۹۶۰ برای تامین انرژی (کالری) یک نفر ۶ متر مکعب آب در روز مورد نیاز بود ولی الان تکنولوژی جهانی آن را به نصف یعنی ۳ متر مکعب رسانده است. یعنی اگر سهم هر ایرانی ۱۰۸۰ متر مکعب آب باشد می‌تواند نیاز انرژی آن را تأمین کند. انرژی یعنی شاخص اصلی امنیت غذایی و بعد پروتئین است و غیره. ولی ما الان بالای ۱۴۰۰ و ۱۵۰۰ متر مکعب آب مصرف می‌کنیم.

- مسئله دیگر خود مردم هستند. از همه مردم نظرخواهی کنیم. مردم نواحی گرمسیر، مردم نواحی سردسیر، نخل کاران، پسته کاران، گندم کاران و غیره. از همه این‌ها نظرخواهی کنیم که آیا نظر شما در مورد بحران آب مملکت در حوزه خودتان چیست؟ ما ضمن این که می‌خواهیم هیچ کدام از محصولاتمان کاهش پیدا نکند، آب را هم ضایع نکنیم. بهره‌وری آب را هم کم نکنیم بلکه بالا ببریم. خیال نکنیم نمی‌توانند جواب بدهند. می‌دانید که مردم، چقدر راهکار می‌توانند نشان بدهند. چون بیش از ۴۰ سال در بین این مردم زندگی کرده‌ام.
- مسئله دیگر این است که مروری بر روی سوابق خودمان داشته باشیم. ما زمانی که در سال ۶۸ که مسئله گندم در مملکت را شروع کردیم، بهره‌وری گندم در کشور ۳۳۰ گرم به ازای یک متر مکعب آب بود. کوشش‌هایی که در سال ۷۷ شد، به ۵۳۰ گرم به ازای یک متر مکعب آب بالغ شد و در سال ۸۳ به ۶۴۰ گرم رسید. چرا الان زیر ۵۰۰ گرم شده است؟ مروری داشته باشیم بر اینکه چرا این طور شده است؟
- مسئله دیگر این که همه به یک راهکار مشترک برسیم و بعد اراده کنیم. اراده با تمایلات فرق می‌کند. اراده چیست؟ یک وقتی ما می‌گوییم اللهم ارزقنا زیارت حضرت امام رضا (ع) و همینطور دعا می‌کنیم خدایا زیارت امام رضا (ع) را سهم ما بکن. هر روز دعا می‌کنیم ولی یک روز بلند می‌شویم و یک بلیط قطار می‌گیریم و می‌رویم. آن را تمایل می‌گویند و این را اراده. اراده بکنیم که می‌خواهیم این را حل کنیم. یقین کنیم که با این شرایطی که الان بحرانی است اگر اراده کنیم شکر خدا کرده‌ایم و خدا هم به ما کمک می‌کند.
- برای هر دشت برنامه‌ریزی مجزا و زمانبندی داشته باشیم. هیئت اجرایی و سازوکار اجرایی داشته باشیم که مردم محور آن باشند. البته نه این که خود ما کنار بکشیم. خود ما به دو دلیل باید باشیم. یکی این که در رساندن مملکت به این جا ما موثر بودیم و دیگر این که ما دولتی‌ها دانش آن را داریم. یعنی به هر دلیلی نباید رها کنیم و این میسر نمی‌شود الا با آسیب‌شناسی در اجزاء موارد و بعد رفت به سراغ این اجزاء و این را به کل تبدیل کرد. آن وقت این به یک برنامه اجرایی تبدیل می‌شود که تمام اجزاء موارد دیده شده است.

۷. آقای مهندس مهرداد محمدپور

محمدپور هشتم از وزارت نیرو که حدود ۲۰ سال در ساخت پروژه‌های تامین آب در استان‌های مختلف کار کردم و کمتر از یک سال است که در تصمیمات استراتژیک مدیریت منابع آب در ستاد وزارت نیرو مشغول به کار هستم. امروز به عنوان شخص حقیقی خدمت رسیدم تا برخی از دیدگاه‌ها را در جمع حاضر بیان کنم و این نوع گردهمایی‌ها را به فال نیک می‌گیرم که پیرامون مسائل آب در سطح کشور برگزار می‌شود. چون قاعدتاً نقطه نظرات را به یک نقطه سر به سر خواهد رساند و از آن به بعد با این همگرایی و همسویی مقوله فرابخشی آب بهتر مدیریت خواهد شد.

صحبت‌های خود را در ۴ بخش مشخص تقدیم می‌کنم و بدون مقدمه هم بنا دارم به دستور کار اصلی جلسه که آسیب شناسی برنامه‌ها بوده و مشخصاً برنامه‌هایی که وزارت نیرو پیرامون مقوله فرابخشی آب در سال‌های آتی در دستور کار خودش قرار داده، پردازم. در بخش اول اشاره‌ای خواهم کرد به گزارش خوبی که مرکز پژوهش‌های مجلس چاپ کرده که در سایت خودشان هم تحت عنوان آسیب شناسی برنامه‌های توسعه در ایران قابل دسترسی است. فرازی از این را می‌خواهم چکیده وار بخوانم و بعد وارد بحث اصلی خودم بشوم.

در این گزارش آسیب‌شناسی، فرایند برنامه‌ریزی به ۴ دسته اصلی تقسیم شده است:

۱. ایرادات مربوط به شروط صفر یا پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی.

۲. ایرادات مربوط به فرایند برنامه‌ریزی.

۳. ایرادات مربوط به محتوای برنامه.

۴. ایرادات مربوط به اجرای برنامه.

در این گزارش ذیل این ۴ دسته به فقدان فهم مشترک در سطح مفاهیم توسعه اشاره شده و آن جا قید کرده که با وجود آن که برنامه‌ریزی در ایران از پیشینه‌ای ۶۰ ساله برخوردار است اما هنوز فهم مشترکی از مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی توسعه در کشور شکل نگرفته است. در بخش دیگری تحت عنوان ساختار سیاسی اجتماعی کشور، قید می‌کند که غالباً برنامه‌های توسعه فاقد یک ضمانت اجرایی قوی هستند و علاوه بر این، جهت‌گیری‌ها و رهنمودهای

سیاسی معمولاً بر سیاست‌ها و ابزارها و راهکارهای برنامه سایه انداخته و آن را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. در بسیاری از برنامه‌ها از جمله برنامه اول، سوم و پنجم عمرانی قبل از انقلاب و اول، دوم و سوم بعد از انقلاب برخی از آن چه در عمل اتفاق افتاده است یا اساساً برنامه‌های پیش‌بینی نشده بوده و یا میزان تأکید برنامه تناسبی با عمل نداشته و در عمل نقش و تاثیر برنامه‌ها به شدت تحت الشعاع اتفاقات خارج از برنامه بوده است. در همین راستا می‌توان به ارائه برنامه تعدیل اقتصادی همزمان با برنامه اول توسعه کشور، طرح ساماندهی اقتصادی همزمان با برنامه دوم توسعه، طرح تحول اقتصادی همزمان با برنامه چهارم و تدوین برنامه پنجم توسعه کشور توسط دولت‌های وقت اشاره نمود که نشان دهنده عدم پایداری آنان به اجرای کامل برنامه‌های میان مدت ۵ ساله کشور است (رفرنس این هم سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است).

ذیل این موضوعات به مشارکت نگرفتن ذینفعان و عدم وصول اجماع و توافق در برنامه‌های توسعه اشاره مؤکدی شده است. معمولاً بخش خصوصی و تشکل‌های صنفی از عدم حضور در فرایندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بخش دیگری تحت عنوان مداخله قانونی دیدگاه‌های غیرکارشناسی در برنامه‌های توسعه شکایت می‌کنند. اجازه می‌خواهم که دوباره این عنوان را تکرار کنم. مداخله قانونی دیدگاه‌های غیرکارشناسی در برنامه‌های توسعه. فرایند تدوین برنامه‌های توسعه در کشور دچار خلاءها و گسست‌هایی است که عملاً امکان ورود نظرات غیرکارشناسی را در برنامه ایجاد می‌کند. به عنوان مثال به هنگام بررسی قانون برنامه‌های ۵ ساله در مجلس، پیشنهاد یک نماینده با در نظر گرفتن ملاحظات منطقه‌ای و نه ملی، سبب اضافه یا تعدیل شدن یک ماده قانونی می‌شود. عدم وجود برنامه‌های اجرایی و عملیاتی برای برنامه‌های ۵ ساله مسئله دیگر است. در حال حاضر در کنار متن قانون برنامه توسعه، متونی تحت عنوان اسناد پشتیبان منتشر می‌شود که شامل رویکردهای کلی حاکم بر برنامه‌ها و بخش‌های مختلف آن است که البته قانون نبوده و جنبه الزام‌آور و اجرایی ندارد.

این آسیب‌شناسی که صورت گرفته، حاکم بر کل برنامه‌های توسعه است که مشمول بخش آب، برق و کشاورزی هم خواهد شد. بنابراین موضوع در کل برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب به نظر می‌آید مبتلابه بوده که شاید به درستی یا آسیب‌شناسی نشده یا اگر آسیب‌شناسی شده در اجرای آن قدری عاجز بوده‌ایم. پس برای اجرای کامل برنامه‌های توسعه می‌شود موضوع را به ۲ بخش اصلی تقسیم کرد:

- فضای عمومی ساختار کشور برای پیاده کردن برنامه توسعه
- دوم رفتار و عملکرد بخش تخصصی راجع به برنامه.

با این فرض من وارد موضوعات وزارت نیرو می شوم که مقوله فرابخشی وزارت نیرو در بخش آب به چند بخش اصلی تقسیم می شود:

- ۱- حوزه تامین آب که عمدتاً ساخت سدها بوده است.
- ۲- بخش توزیع آب در بخش کشاورزی و در بخش شرب که در بخش کشاورزی شامل توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی می شود و در بخش شرب شامل ساخت شبکه‌های شهری و شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب.
- ۳- بخش سوش که یکی از مهمترین موضوعات روز مدیریت منابع آب کشور محسوب می شود، مقوله آب‌های زیرزمینی است که جناب آقای شریعتمداری اشاراتی به آن داشته اند.
- ۴- اقتصاد آب. اینکه امروز قیمت تمام شده آب در کشور و قیمت فروش آن به چه میزان است و چه کسی باید مابه‌التفاوت این را تامین کند، جزو چالش های اصلی و موضوعات مهم وزارت نیرو محسوب می شود.

بنابراین این ۴ مورد را که من دوباره اجازه می خواهم برشمرم: ۱- تامین و ساخت سدها و ۲ و ۳ و ۴- توزیع آب ، مقوله آب‌های زیرزمینی و اقتصاد آب. چرا گفتم ۲ و ۳ و ۴؟ چون بخش اولش را وزارت نیرو فارغ از این که اصلاً صنعت سدسازی خوب است یا بد که شاید در حوصله این نشست نباشد، تقریباً طبق برنامه عمل کرده و موفق بوده است. ولی در آن سه مورد از برنامه‌ها متأسفانه عقب‌ماندگی قابل ملاحظه‌ای مشاهده می شود. این برنامه‌ها دقیقاً برنامه‌هایی بودند که ما با ذینفعان آن ارتباط برقرار نکردیم مثلاً در بخش توزیع آب مشخصاً در مقوله آب‌های زیرزمینی و در اقتصاد آب. در این جا اگر بخواهیم به آسیب‌شناسی برنامه‌ها در وزارت نیرو در حوزه مدیریت منابع آب بپردازیم، نقاطی که بایستی با ذینفعان نهایی آب ارتباط برقرار کنیم، آن جا دچار ضعف بودیم و عملکرد

مناسبی نداشتیم. متأسفانه یا خوشبختانه مسائل دیگری هم در این موضوع جمع جبری می‌شود که من در ادامه عرایضم به آن خواهیم پرداخت.

امروز به نظر می‌رسد که جای وجود یک ساختار قدرتمند در مدیریت منابع آب در کشور خالی باشد. ساختاری که بتواند از صفر تا صد یک حوزه آبریز را تصمیم‌گیری کند. اگر امروز یک حوزه آبریز را در نظر بگیریم به چند قسمت تقسیم شده و دست چند دستگاه اجرایی است. سرشاخه‌ها که حوزه‌های آبخیز یا آبریز باشد دست وزارت جهاد است. میان حوزه که محل ساخت سدهاست دست وزارت نیرو است. انتهای حوزه که شبکه‌ها باشند و مسائل زیست‌محیطی دست وزارت جهاد و محیط‌زیست هستند. دستگاه‌های اجرایی که به دلیل وجود اختلاف نظر و اختلاف سلیقه در مدیریت منابع آب، باعث ایجاد عدم کارآمدی مناسب در برنامه‌هایی شده که تنظیم شده بودند. امروز اگر بخواهیم بدون تعارف صحبت کنیم در مدیریت منابع آب اختلافات قابل ملاحظه‌ای در دیدگاه‌های وزارت نیرو و دیدگاه‌های وزارت جهاد کشاورزی وجود دارد و اگر بدون تعارف به حل این اختلاف‌ها پرداخته نشود کماکان ما همان راه قبلی را طی خواهیم کرد.

اما چه باید کرد و در آستانه تنظیم برنامه ششم توسعه امروز مفاهیم ذهنی مدیریت منابع آب در وزارت نیرو چه خط مشی را برای خودش تنظیم می‌کند؟ من می‌خواهم لیست این‌ها را ارائه کنم و اگر در حوصله جلسه بود قدری راجع به آن بیشتر صحبت کنم. اتفاقی که امروز در وزارت نیرو و در آستانه تدوین برنامه ششم افتاده یک تغییر رویکرد در مدیریت منابع آب است.

- اول، نگاه غیرسازهای به مدیریت منابع آب و تمرکز روی مدیریت مصرف امروز از استراتژی‌های اصلی حوزه آب کشور است که این دوران گذار و تغییر ریل در مدیریت منابع آب دارد اتفاق می‌افتد که در جامعه و عموم هم شاید برخی از نمونه‌هایش را به راحتی بتوان مثال زد.
- دوم، بازنگری در منابع تجدید شونده آب کشور است. رقم ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدپذیر کشور که از ۵۰ سال پیش، مبنای طراحی‌های کلیه پروژه‌های تامین آب بوده، امروزه با توجه به مسائل مختلفی که در وضعیت جوی، بارش‌ها و تبخیر و دما اتفاق افتاده مورد بازنگری قرار گرفته و این رقم ۱۳۰ میلیارد

متر مکعب یک رقم کاهشی را نشان می‌دهد که در مدیریت منابع آب کشور، اتفاقات بسیار مهمی را رقم خواهد زد. این توافق فی‌مابین تمام مدیران ارشد وزارت نیرو و همکاران خوب ما در وزارت جهاد کشاورزی به عمل آمده که با جسارت و شجاعت روند کاهشی این رقم را به صورت رسمی به جامعه اعلام کنیم و بر اساس واقعیت‌ها بتوانیم برنامه‌ریزی داشته باشیم.

- سوم، بازنگری طرح‌های در دست مطالعه و در دست اجرا در وزارت نیرو. اگر که احساس کنیم که مطالعه‌ای در رابطه با یک پروژه تامین آب صورت می‌گیرد و این فاقد توجیحات لازم برای اجراست، خیلی سریع متوقف می‌شود. بعضی از پروژه‌های مطالعاتی و حتی بعضی از پروژه‌های اجرایی در دست وزارت نیرو هم در حال بازنگری جدی است و این یکی از مسائل مهمی است که به جرأت می‌توانم بگویم که با این، تغییر ریل یا تغییر رویکرد در مدیریت منابع آب کشور اتفاق افتاده و خیلی جدی راجع به آن پرداخته می‌شود.

امروز در کشور در ساختار مدیریت منابع آب کشور، بالاترین صحن تصمیم‌گیری در مورد مسائل آب، شورای عالی آب است. شورای عالی آب شورایی است که به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود و ۶ تا از وزرای کابینه دولت عضو رسمی این شورا هستند. حُسن این شورا این است که بین این ۶ تا وزیر تعیین‌کننده، یک تعامل همگرایی صورت می‌گیرد تا تصمیم‌گیری‌های موضوعات آب و به اجرا درآوردن آن شاید قدری راحت‌تر باشد. در مصوبه پانزدهم شورای عالی آب مشخصاً مصوباتی پیرامون بیلان آب‌های زیرزمینی به جمع‌بندی رسید که بزرگ‌ترین اتفاقی که در این مصوبه افتاد، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از اعتبارات فصل آب که تا سال ۱۳۹۳ در حوزه توسعه منابع آب هزینه می‌شد، به حوزه مصرف و بیلان آب‌های زیرزمینی انتقال داده شد. این بزرگ‌ترین اتفاقی بود که در حوزه آب‌های زیرزمینی طی سال‌های گذشته اتفاق افتاده است. هدف این بود که پروژه‌هایی برای نجات این بیلان منفی تعریف شود و شرایط نرمالی در کشور حاکم گردد. روح این مصوبه می‌گوید در ۶۰۹ دشتی که در کشور وجود دارد، همان طور که آقای شریعتمداری فرمودند، باید بیلان آب تک تک این دشت‌ها مجدداً بازنگری شود و بر اساس منابع آب تجدیدپذیر، سهم آب کشاورزی، سهم آب صنعت و سهم آب شرب به آن‌ها اعلام شود و از آن به بعد وزارت جهاد کشاورزی بایستی بر اساس این الگوی کشت کشور را تنظیم کند و اعلام رسمی داشته باشد.

از مسائل مهمی که در این تغییر رویکرد و در آستانه تدوین برنامه ششم نسبت به آن به صورت جدی پرداخته می‌شود، **تشکیل شورای هماهنگی حوزه های آبریز** است که در برنامه چهارم همانطور که آقای مهندس غفاری شیروان فرمودند مغفول باقی مانده بود. دو تا پایلوت تحت عنوان دریاچه ارومیه و تحت عنوان حوزه آبریز زاینده‌رود با حضور استانداران این حوزه‌های آبریز انجام شد. یعنی یک حوزه آبریز امکان دارد مشمول چند تا استان بشود. اعضای اصلی شورای هماهنگی حوزه آبریز، یک رئیس شورای هماهنگی حوزه آبریز، وزیر نیرو، دبیر، معاون وزیر نیرو در امور آب، اعضای اصلی استانداران آن استان و نیز نمایندگان رسمی بخش کشاورزی و نه وزارت کشاورزی جزء اعضای اصلی هستند. نمایندگان رسمی کشاورزان آن حوزه، در این حوزه‌های شوراهای هماهنگی حوزه آبریز که دو حوزه آبریز آن یعنی ارومیه و زاینده‌رود تشکیل شده و شورای هماهنگی حوزه آبریز کرخه هم در حال تشکیل است، صاحب رأی هستند. در کل کشور این شوراهای هماهنگی حوزه آبریز در حال تشکیل هستند که این موضوع نقش موثری در مشارکت با ذینفعان خواهد داشت و امیدواریم که آن مواردی که به عنوان عدم راندمان مناسب در اجرای برنامه های توسعه در بخش آب وزارت نیرو مطرح است و بتوانیم با این موضوعات بخشی از این عقب ماندگی را جبران کنیم.

موضوع مهم دیگری که در این تغییر ریل یا تغییر رویکرد در دست مطالعه وزارت نیرو است، مسئله اقتصاد آب یا تعرفه‌های آب است. برای این که ذهن روشن شود، من یک عدد کلی را عرض می‌کنم. قیمت تمام شده هر متر مکعب آب در کشور ۱۰۰۰ تومان است و قیمت فروش هر مترمکعب آب در کشور حدود ۳۰۰ تومان. و امروزه، این فاصله یا شکاف ۱۰۰۰ تومان و ۳۰۰ تومان باعث شده که وزارت نیرو نسبت به توسعه برنامه‌های خود در بخش تامین آب ناکام بماند، به دلیل این که استفاده از منابع دولتی کاملاً محدود است و این فاصله قیمت تمام شده و قیمت فروش، کار را برای وزارت نیرو بسیار سخت کرده که جزو موضوعاتی است که اعتقاد ما بر این است که در برنامه ششم بایستی به آن پرداخت.

صحبت شد که قانون توزیع عادلانه آب مصوب دهه ۶۰ در دست وزارت نیرو قرار گرفته است و بازنگری این قانون تحت عنوان قانون جامع آب که کار کارشناسی آن در وزارت نیرو به اتمام رسیده و در اواخر سال جاری پیش نویس این به هیئت دولت برای ارسال به مجلس تقدیم خواهد شد، انجام یافته و ما امیدواریم که این مشکلاتی

که جناب آقای جهانی در اجرای قانون توزیع عادلانه آب در گزارششان قید کردند، در قانون جامع رفع گردد و بتوانیم این موضوعات را به هر طریق پوشش دهیم.

در حین این موضوعات مسائلی هم طی سال‌های گذشته اتفاق افتاده است. یعنی در شرایطی که ما همه اعتقاد داریم و در صحبت‌هایمان قید می‌کنیم که مدیریت منابع آب می‌بایستی بصورت حوزه آبریز و به هم پیوسته باشد ناگهان در مجلس قانونی تصویب می‌شود و شرکت‌های آب منطقه‌ای را به شرکت‌های آب استانی تبدیل می‌کنند. یعنی دقیقاً ۱۸۰ درجه خلاف مسیری که می‌بایستی برای یک مدیریت حوزه‌ای طی بشود. و این‌ها همان مصداق‌هایی بود که یک اختیار قانونی در یک تصمیم غیر کارشناسی امکان دارد رخ بدهد. برای مثال حذف حق‌النظاره‌ها در مجلس بود که به اعتقاد ما در وزارت نیرو آسیب بسیار جدی را به برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی در کشور وارد ساخت. حذف حق‌النظاره‌ها باعث شد که تعداد چاه‌های غیرمجاز در کشور شیوع پیدا کند. اعتقاد همکاران ما در وزارت کشاورزی بر این بود که وزارت نیرو، این حق‌النظاره‌ها را صرفاً به عنوان یک درآمد نگاه می‌کند و هدفش مدیریت منابع زیرزمینی نیست. در صورتیکه ما یک تحلیلی را دادیم به وزیر محترم جهاد کشاورزی که اگر ۱۰۰ درصد حق‌النظاره‌ها در کشور جمع‌آوری می‌شد که نمی‌شد یک رقمی حدود ۳۰ میلیارد تومان برای وزارت نیرو کسب می‌کرد که به اعتقاد ما، وجود حق‌النظاره‌ها، انضباطی را در مدیریت آب‌های زیرزمینی ایجاد می‌کند. یعنی یک اختیار قانونی و یک تصمیم غیر کارشناسی در این حوزه صورت گرفته شد.

خلاصه اینکه این ایراداتی که مترتب بر عملکرد بخش آب وزارت نیرو است، دقیقاً آن حوزه‌ای است که باید بین وزارت نیرو، متولیان کشاورزی و کشاورزان، هماهنگی‌های قانونی و جدی رخ بدهد. یعنی آنجا که وزارت نیرو، کمترین راندمان را داشته که ما اعتقاد داریم می‌بایستی در یک ساختار قدرتمند در مدیریت منابع آب در کشور بتوانیم این مسئله را پیگیری بکنیم. بنابراین در تنظیم پیش‌نویس برنامه ششم توسعه در بخش آب کاملاً این تغییر ریل و تغییر رویکرد به مدیریت منابع آب از تفکر سازه‌ای به تفکر غیرسازه‌ای و از تفکر مدیریت تامین آب به تفکر مدیریت تقاضای آب کاملاً مشهود است و شاید این تغییر رویکرد، یک گام اساسی به جلو برای مدیریت صحیح منابع آب کشور باشد. ان شاء الله.

۸. پرسش و پاسخ

آقای دکتر فاضلی

من مجموع سئوالات را به سه قسمت تقسیم می‌کنم. فکر می‌کنم به برخی خیلی راحت بتوان جواب داد. گفتم عزیزاتی که حضور دارند خودشان جزو مدیران بودند و همه آمارهای وحشتناک می‌دهند و انتقاد می‌کنند. فکر می‌کنم این بخشی از شجاعت است که حالا جامعه ما کمی هم شجاعت پیدا کند و گذشته اش را مورد نقد و بازنگری قرار دهد. یک عبارتی را دکتر آشنا در جلسه رسانه‌ای به کار بردند و بعد هم صدا و سیما استفاده نادرستی از آن کرد و کار زشتی کرد و گفتند که ما باید از کارهایی که در گذشته در حوزه آب کردیم توبه کنیم و توبه دسته جمعی بکنیم. این توبه کردن هم دینی اش و هم در سیاست گذاری توصیه شده است. اگر واقعا جدی تصمیم گرفته باشیم که مسائل آب را حل کنیم، این یک بخش ایرادی ندارد. این نکته نامناسبی نیست حتی اگر مدیران گذشته این کار را انجام بدهند.

نکته بعدی راجع به ضرورت فرهنگ‌سازی است. چون این جا دانشکده علوم اجتماعی است و لطف کردند این سالن را در اختیار ما قرار دادند، گفتند متخصصانی از حوزه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در حوزه فرهنگ و جامعه حرف بزنند. من در حد ۲ دقیقه فقط جمع بندی اجتماعی را می‌گویم چون قبلا هم با دوستان بحث کردیم، موضوعات این نشست‌ها جامعه، آب، فرهنگ و جامعه هست. ما در حوزه فرهنگ در سه حوزه مشکل داریم.

- در فرهنگ برنامه ریزی؛ ما به یک چیزی دست یافتیم به اسم تکنولوژی سندنویسی. جمع بندی جمع این است که این تکنولوژی سندنویسی باید به سمت برنامه اجرایی و عملی روی زمین برود.
- دومین حوزه فرهنگی، فرهنگ ذینفعان است. ما با کشاورزان کار نکردیم. همانطور که آقای شریعتمدار فرمودند که کشاورزها را جدی نگرفتیم. یکی از دوستان پرسیدند که من می‌خواهم پایان نامه و یک مقاله‌ای در حوزه ربط جامعه‌شناسی علوم اجتماعی و حوزه آب بنویسم چه کار کنم، من فکر می‌کنم که در حوزه علوم اجتماعی می‌شود با ذینفعان خوب کار کرد و برنامه‌ریزی مشارکتی را خوب پیش برد. مقوله مشارکت را که در کشور بیشتر به شوخی برگزار شده و گفته شده بیشتر عنوانی برای سخنرانی‌ها است،

دانش جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در این دانشکده می‌توانند در این حوزه دانش بیشتری تولید کنند. بنابراین بحث مربوط به ابعاد اجتماعی را در این دو بخش فرهنگ پیگیری کرد.

موضوع دیگر اینکه آیا از سطح کودکان به آموزشگاه‌ها و خانواده‌ها لازم است که این کار صورت بگیرد یا نه؟ بحث آب در حوزه خانواده، کودکان‌ها یا جاهای دیگر هم آموزش داده شود.

یک سؤال درباره نقش جامعه‌شناس‌ها، تاریخ‌شناس‌ها، تاریخ‌شناس‌ها، اخلاقیون و فیلسوف‌ها در حوزه آب هست که به نشست دیگری که به سهم اجتماعی و علوم اجتماعی در حوزه آب خواهد پرداخت، موکول می‌کنیم. از مجموع سؤال‌هایی که آمده منهای ۲ نفر که سؤال شفاهی خواستند سؤال‌هایی است مستقیماً خیلی به پل ما ارتباط نداشته باشد. پرسیدند در احیای اکوسیستم‌های آبی در کشور تاکنون چگونه عمل شده است؟ پروژه‌هایی که برای احیا در نظر گرفته شدند تا چه حد موفق بودند و اگر موفق بودند علت موفقیت احیای اکوسیستم‌ها اگر توانستیم در جایی احیا کنیم این موفقیت در چه حدی بوده است؟

حضر - آقای میرکیایی

شما در مورد سه مبحث اصولی، مفهومی و کلیدی صحبت کردید. آب، فرهنگ و جامعه. متأسفانه همه حضار و همه سخنرانان نقش آب را مطرح کردند در صورتیکه همه ماها که اینجا هستیم می‌دانیم که اگر فقط از بعد فنی می‌خواستیم مسئله را بیان کنیم اصلاً به برگزاری چنین جلسه‌ای حاجت نبود. یعنی مسئله تک‌بینی و تکنوگرایی باعث این شده که ما به این رویکرد نزدیک شویم که با رویکرد مشارکت، حداقل سه تصمیم کلیدی که اندیشکده بیان کرده را برویم اجرا کنیم. مسئله دوم این که شما نوشتید که درباره آب گفتگو کنیم متأسفانه در این جلسه حضار فقط شنیدند. یعنی ما باید شنونده گفتمان این حضار باشیم و این جا مثل یک سمینار هست و ما به عنوان یک دولتی بسیار از این جلسات برگزار کردیم و همه را شنیدیم.

این جا نهادهای دولتی و نهادهای غیردولتی و نهادهای دست‌اندرکار جمع شده‌اند. اما همه نتوانستند صحبت کنند. نشست پیش هم چون اولین بار بود فرصت نشد. باید مدیریت می‌شد ولی حالا همه داریم این حرف‌هایی که قبلاً هم بوده را تکرار می‌کنیم. الان خود من به عنوان یک کارشناس بخش توسعه مشارکتی آب هنوز هم نمی‌دانم آب

مسئله است یا بحران است؟ دوستانی که درباره سرمایه اجتماعی صحبت می‌کنند باید توجه کنند که در بخش سرمایه اجتماعی، اصلاً آنچه معنای کلمات سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد چه هست؟ آیا همان چیزی هست که در تفکر شما هست و در تفکر دوستان هم هست؟ ما یک تفاهم جمعی حتی در کلمه آب نداریم. دوستان آقای مهندس معصومی هفته پیش خیلی بیانات خوبی کردند. آب چیست؟ با آب می‌شوید، آب آشامیدنی است، آب جمع‌کننده توسعه است. ما با همه این‌ها هنوز مشکل داریم. آیا توسعه آب مطرح است؟ توسعه کشاورزی مطرح است؟ توسعه علوم اجتماعی است؟

ما همین الان چند کارشناس علوم اجتماعی در حوزه آب داریم؟ ما ۱۰ نفر نداریم. یعنی در همین دانشکده علوم اجتماعی اینقدر در مورد اعتیاد و مسائل اجتماعی و ... صحبت شده، اما اصلاً در مورد آب من ۱۰ نفر سراغ ندارم. چون خود من هم در بخش آب بودم، بعدها آموزش علوم اجتماعی دیدم. حالا که نداریم، چه کار داریم می‌کنیم؟ اگر ماها را به حال خودمان بگذاریم ما همان کار خودمان را می‌کنیم و فکر می‌کنیم درست هم کار کردیم. ولی شما می‌گویید آب و فرهنگ. اینجا مسئول فرهنگی کدام کلمات فرهنگی را استفاده کرد؟ در صحبت آقای مهندس جهانی که گفتند ایشان خود در سال ۱۹۹۲ نویسنده ریپورتاژها بودند، توسعه پایدار مطرح بوده است. ما بر روی کدام یک از شاخص‌های توسعه پایدار کار می‌کنیم و حرکت می‌کنیم؟ اجرایی کردن آن، نیازمند گفتمان و سازوکار است. اما حداقل این روش درستی نیست که بیاییم سخنرانی کنیم. این روش که بیاییم بگوییم ما شرمنده شدیم، چه تاثیری دارد؟ حداقل شما که این جا هستید چقدر به عنوان دکترای علوم اجتماعی تاثیر گذار بودید؟ وزارت نیرو آمده دست کمک دراز کرده است و ما چگونه می‌خواهیم کمک کنیم؟ آیا به عنوان تخریب‌گر می‌توانیم باشیم یا توسعه‌گر؟ پل‌های شما احتیاج دارد یک مقداری نزدیک بشود. ما از دیدگاه پژوهشگری اجتماعی به این کار نمی‌توانیم ورود کنیم، چون نقش پژوهشگری اجتماعی دو درصد می‌تواند کمک کند.

آقای دکتر فاضلی:

ما یک نگاه گسترده به مفهوم فرهنگ و هم جامعه داریم. نخواستیم به آن معنایی که در دانشکده‌های علوم اجتماعی بحث می‌کنیم، فقط به صورت تخصصی درباره فرهنگ و جامعه بحث کنیم. جلسات اولیه بیشتر به ابعاد واقعی اختصاص دارند تا مسئله آب مشخص شود. مشخص شود به این معنا که مثلاً آقای مهندس می‌گوید که ما حتی

اجماع نکردیم که آب تجدیدپذیرمان سالیانه چند میلیارد متر مکعب است و این دعوت را هم از همه دوستان و متخصصان کردیم و گفتیم متخصصان حوزه آب، جامعه‌شناسی و حوزه علوم اجتماعی بطور عام که بیایند و موضوع پیشنهاد کنند. ببینید ما وقتی دعوت به گفتگو می‌کنیم، افراد را دعوت می‌کنیم که هر کسی بیاید ارائه کند و پیشنهاد دهد و بعد وارد گفتگو شود.

یک موضوع، سیستم اجرایی این جلسات هست که می‌توانیم بازتر کنیم و تکامل ببخشیم، تا اینکه ما نماینده ذینفعان مختلف را هم داشته باشیم. قطعاً ما یک جلسه را به کشاورزان اختصاص می‌دهیم. دوستان شاهدند که حداقل ما با آقای سوزنچی نماینده کشاورزان همدان و آقای حسینی نماینده اتحادیه کشاورزان خراسان، برای ذینفعان یعنی کشاورزان و نه وزارت جهاد و نه وزارت نیرو یک جلسه اختصاصی داشتیم که در ریاست جمهوری تشکیل دادیم تا این که فقط کشاورزان حرف بزنند. در این جلسات هم می‌توانیم این کار را بکنیم ولی به شرط این که یک پروپزال یا پیشنهادی آمده باشد و کسی درخواست کرده باشد. ما بطور گسترده در همه رسانه‌ها، از همه خواستیم که بیایند و پروپزال شان را ارائه دهند. یعنی یک نفر بیاید و بگوید من می‌خواهم درباره زنان و آب حرف بزنم، یک نفر بیاید و بگوید من در مورد علوم اجتماعی و آب، تعاون و آب، ذینفعان و آب ... صحبت می‌کنم. هیچ پروپزالی تا حالا نرسیده است. من بارها این موضوع را در فیسبوک دوستان، فیسبوک خودم، رسانه‌ها و وبلاگ‌ها گفتیم و نوشتیم. یک کم جامعه هنوز اعتماد ندارد یا هنوز کسی پروپزالی ندارد یا فضای گفتگو هنوز شکل نگرفته است. ولی این شکل سخن گفتن هم شاید درست نباشد.

یکی از حضار

سوال من این است که این نشست‌ها از ما به عنوان محققان این عرصه چه می‌خواهد؟ و امیدوار هستیم که بتوانیم تو همین جلسه‌ها و نشست‌ها کار خودمان را مشخص کنیم. من واقعا تقاضا می‌کنم که شما به ما هم بازخورد بدهید که ما چه کار باید انجام دهیم و ما به عنوان افرادی که در این حوزه کار می‌کنیم باید چه کار کنیم؟

آقای فاضلی:

من برای اینکه این بازخورد را ارائه کنیم سعی کردم با خبرنگاران مختلف صحبت کنیم و این جلسات را پوشش دهیم و رسانه‌ها به طور گسترده پوشش بدهند. دو تا خبرنگار، مرکز بررسی استخدام کرد تا اینکه اینها گزارش‌های

ما را رسانه‌ای کنند. یک سایت داریم که خلاصه‌های اینها را در آن منتشر می‌کنیم و سایت اندیشکده این گزارش‌ها را منتشر می‌کند تا این فضای گفتگو شکل بگیرد و مسئله‌شناسی حاصل شود. بنابراین من به عنوان کسی که علوم اجتماعی کار می‌کند فکر می‌کنم می‌توانیم روی رسانه و آب کار کنیم. چون هنوز خیلی جدی کار نکردیم تا مسئله اجتماعی آب ساخته شود. همان چیزی که سازه‌گراها می‌گویند که آب مسئله اجتماعی شود. خیلی چیزها مسئله اجتماعی نشده‌اند مثلاً هنوز برای ما باران اسیدی مسئله نیست. از آن بدتر آب تا حدودی مسئله شده ولی فرسایش خاک هنوز به هیچ وجه مسئله نشده است. از آن بزرگتر مسئله زیست محیط است که باز هم مسئله نشده است. بنابراین اگر از فرهنگ، جامعه و آب بپرسیم، اساساً یک حوزه بین‌رشته‌ای است که در کنار هم داده‌هایی از واقعیت زیست محیطی، داده‌هایی از علوم اجتماعی و گفتگو می‌تواند به ساخته شدن مسئله و تولید دانش در دانشگاه درباره آب کمک کند.

به طور خاص باید عرض کنم که شاید ما با اولین رئیس جمهور مواجه هستیم که هیچ سخنرانی انجام نداده که در آن، یک جمله، پاراگراف و عبارتی درباره محیط‌زیست نگفته باشد و یک چیز دیگر را نیز همواره تکرار کرده و آن اینکه دانشگاه هم بیاید در حوزه تولید علم کمک کند تا مسائل اساسی و واقعی کشور و آن مسائلی که تمدنی هستند از جمله فرسایش خاک، آب، آب و هوا حل شود.

دانشگاه باید درباره آب تولید دانش اجتماعی کند. واقعیت این است که من حداقل ۱۵-۱۶ سال است که در حوزه علوم اجتماعی کار می‌کنم. در این مدت ما پایان‌نامه‌های بسیار نادری تو حوزه آب داشتیم. آقای دکتر قانع‌راد شاهد هستند که یک مقاله در حوزه جامعه‌شناسی محیط‌زیست آمده بود که از حوزه تحریریه یک مجله مهم جامعه‌شناسی بیرون گذاشته بودند. وقتی که اعتراض شد گفتند اینها مسخره کردند. به ابتدای هر چیزی یک جامعه‌شناسی می‌بندند و می‌شود جامعه‌شناسی فلان. من گفتم در جهان جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی محیط‌زیست از دهه ۶۰-۷۰ سابقه دارد. بنابراین تولید دانش اجتماعی نکته اول است.

نکته دوم، تولید دانش آماری است. دانشگاه در تولید آمارها باید سهم ایفا کند. آقای مهندس گفتند که آمار منابع آب تجدیدپذیر ما محل مناقشه است. در یک جلسه‌ای که سه هفته پیش با مسئولین و مدیران کشور در حوزه

صیانت از آبهای زیرزمینی برگزار کردیم معلوم نشد که راندمان آب کشاورزی چقدر است. آن ۹۲٪ را هم زیر سوال بردند، ۶۷٪ هم زیر سوال بردند، بین راندمان و بهره‌وری توافق نشد. بنابراین اساساً هیچ اجماعی درباره اینکه آمارهای آب و مصرف چقدر است، وجود نداشت. ولی دانشگاه می‌تواند مداخله کند و به دولت کمک کند. واقعیت این است که دانش محیط‌زیست ما در سطح بسیار پایینی است و جامعه‌شناسی محیط‌زیست درباره انگاره‌ها، ارزش‌ها و هنجارها و حتی علوم اجتماعی هم سهم خود را نسبت به محیط‌زیست به درستی ایفا نکرده است.

نهایتاً علوم اجتماعی باید به فرایند گفتگو برای عزم علمی و ساخته شدن آن مسئله کمک کند. ما از سال ۱۹۹۵ به گفته آقای اسفندیاری در بحران آب بودیم و سازمان ملل ما را قرمز کرده، ولی از ۹۵ دقیقه ما ۱۹ سال بعد بحران را اجتماعی کردیم، در حالی که خیلی چیزها در این کشور بحران می‌شوند درحالی که بحران نیستند. گاهی یک برنامه تلویزیونی بحران درست می‌کند. در همه دنیا این کار را می‌کنند. رسانه‌ها قادرند این کار را بکنند بنابراین موضوع رسانه، ارتباطات و آب هم می‌تواند یک مسئله باشد. من حداقل ۱۰ سال با ذینفعان تو حوزه‌های مختلف به خاطر ارزیابی تاثیرات اجتماعی کار کردم. در همین پروژه آب هم در خوزستان در شبکه‌های آبیاری با ذینفعان کار کردم. علوم اجتماعی در تولید دانش درباره شیوه کار کردن با مردم قصور بزرگی دارد. آقای شریعتمداری درست گفتند که ما کشاورزان را جدی نگرفتیم و کار مشارکتی نکردیم. ولی من اجازه می‌خواهم تک تک این مباحث را در بحث‌های بعدی و روال جلسات بعدی را اصلاح کنیم و این گفتگو بیشتر شکل بگیرد. من اجازه می‌خواهم که اجازه بدهید جمع سخن بگویند.

از حضار:

آیا اینقدر تاثیرگذار بود که آقای جهانی در رابطه با اسناد ملی و اسناد ریودوژانیرو باز هم صحبت می‌کند؟ آیا اینقدر احتیاج هست که من بدانم که آب در جهان ۸۰۰ میلیمتر هست و اینجا ۲۰۰ میلیمتر. ما در ایران زندگی می‌کنیم که سطح بارندگی در آن از ۲۰۰ میلیمتر تا ۲۰۰۰ در نوسان است. اینجا همه ما می‌دانیم که آب کمی داریم. ما جایی در ایران داریم که بیش از ۲۰۰۰ هزار میلیمتر باران می‌بارد، ولی همان جا خشکسالی اتفاق می‌افتد. همان جا، مرداد ماه دعوی آب پیش می‌آید. همان جایی که دو هزار میلیمتر بارندگی دارد. پس بیایید ببینیم که مسئله آب را چگونه با هم می‌خواهیم حل کنیم. فقط هم گفتگو نباشد یعنی اینکه سخنرانی نباشد. نگاه کنید آقای چمبرز،

آقای فدرر، آقای ازکیا و دوستانی که در حوزه علوم اجتماعی هستند و در مباحث آب کار کردند، این را بسط بدهند. وقتی اینجا بحث جامعه میکنید باید کسانی که صدایشان تاحالا شنیده نشده است صحبت کنند. اصل نظام اجتماعی این است که دوستانی که اینجا هستند صحبت کنند. شما به عنوان اساتید یا جمع کننده ببینید که انحراف معیارها کجاست و بتوانید اینها را جمع کنید. حالا به نظر من ۵ تا گفت شما کردید ۵ تا گفت هم از اینجا و از دوستان بشنوید.

اسفندیاری:

ما به دنبال این هستیم که یک باره مسائل رو حرکت کنیم. طبیعتاً این مسائل طول می کشد و در ترکیب گفتمان هم امیدواریم که به این سمت برویم که سهم بیشتری را به حضار بدهیم و مشکلات پیش نیاید و چون تمرین نکردیم دچار این اشتباهات هستیم. اما اینکه یک دفعه زیر میز بزنیم و کل مسائل را زیر سوال ببریم این شرط گفتمان نیست. هدف مجموعه ۱۴ نشست این است که طرح مسئله کند، نه اینکه راه حل ارائه کند. البته هر کسی می تواند راه حل ها را مطرح کند. هدف این است که ۱۴ تا نشست داشته باشیم که ۴ تا میزگرد و ۱۰ تا نشست تخصصی با این فلسفه که ۴ تا میزگرد در واقع طرح مسئله کرده و در مورد بحران آب گفتمان شود و نظرات مختلف و چالشی مطرح شود، اما نشست های تخصصی برای عمق بخشیدن به قضیه است. البته می توان نشست های مختلفی برگزار کرد. شما هم می توانید نشستی را ترتیب بدهید که قضیه همان طوری که شما می خواهید جلو برود. اما اینکه ما در هر نشستی در واقع هم مسائل آب را مطرح کنیم، هم مسائل فرهنگی را و هم مسائل جامعه را، تک تک نباید ارزیابی کنیم. ما به این سمت می رویم که مجموعه این ۱۴ تا نشست در واقع بعد فرهنگ و بعد جامعه را در نظر می گیرد. لذا این قضیه که به چه شکل کار انجام شود، طبیعتاً ناشی گری هایی داریم سعی می کنیم که اصلاح کنیم.

از حضار (آقای کاوه معصومی)

اگر چیزی توسط دوستان بزرگوار گفته می شود من این طوری درک می کنم که می خواهیم وضعیت بهتر شود و هیچ کس هم خوشبختانه در این موضع نیست که آن چیزی که اینجا هست کامل است. ولی گاهی اوقات ممکن است که بلغزیم. ما بیشتر عادت کردیم بشنویم و کمتر عادت کردیم که حرف بزنیم. به تدریج این جا افتاده که یک عده ای حرف می زنند و عده ای دیگر می شنوند. البته شنیدن هم به این معنی نیست که عمل کنند. من فکر می کنم که

به نقاط خیلی خوبی داریم نزدیک می شویم. چند تا پیشنهاد دارم. این تابلویی که شما فراهم کردید باور کنید من چندین بار به آن رجوع کردم. به نظر می آید خیلی اندیشمندانه است؛ ولی گاهی احساس می کنم که این در همه حال و همه جلسات منبع الهام نیست. وقتی که می بینیم اینجا آب، فرهنگ و جامعه نوشته است، به نظر می رسد فرهنگ و جامعه هدف گیری شده است.

پس من اینجا صحبت از گزارش کار ندارم، احتیاج به امید ندارم، نیامدم که کسی را زیر سوال ببرم، آمدم که بینم آب با فرهنگ و جامعه چه نسبت هایی دارد؟ چیزی که من الان سوالم هست این است که روز اولی که به نشست پیوستم گفتند درباره آب گفتگو کنیم و باید درباره آب گفتگو کنیم. سوال این است که گفتگو از جلسه اول شروع شده یا می خواهیم بدانیم که چه طور درباره آب باید گفتگو کنیم. به نظر می رسد که این گفتگو برقرار نمی شود و چه کار کنیم که این گفتگو برقرار شود؟ به نظر می رسد که عناصر فرهنگ و جامعه را می خواهیم در این گفتگو مشارکت دهیم. پس به موانع این گفتگو و یا نقاط قوتی که داریم، پردازیم و اینکه از کجای این عناصر فرهنگی شروع کنیم که این گفتگو شکل بگیرد اصلاً بحث این نیست که درست عمل کردیم یا غلط عمل کردیم، من وقتی که گفتند در این سند کار مینیاتوری قشنگی انجام شده، حس من همین بود که ما در سندنویسی مشکلی نداریم. چند روز پیش گفتند بیا و درباره برنامه ششم نظر دهید، گفتم من که با این سندها مشکلی ندارم، اغلب سندها خوب اند، به نظرم حتی یک بررسی کارشناسی مستند نشان می دهد که یک اخلال و شکافی بین حرف های خوبی که زدیم و عمل هایی که دنبالش بودیم و عملی نشده، وجود دارد. آیا این فرض بدبینانه و با شکاکیت به این دلیل است که نوشته های ما، از منشا معرفت شناختی دیگری برخوردار است و از جای دیگری می آوریم. ما همیشه در حرف و ادبیاتمون با جهان حرکت کردیم اما نمی دانستیم رئالیسم جادویی چیست. اصلاً ربطی به زندگی ما نداشت. ده ها کتاب با سبک رئالیسم جادویی نوشته می شد. این نشانه ی یک گزینه ای است که ما انشای خوبی داریم. می بینیم که برنامه های چهارم خوب است، برنامه پنجم خوب است، سومم خوب است، حتی برنامه های قبل از انقلاب هم بخشی از فرازهایش درخشان است، ولی سوال این است: چرا اجرا نمی شود؟ برای اینکه ظرفیت نداریم که فکر کنیم و کار را از این جا شروع کنیم. آیا مردم مشارکت نمی کنند! یک دولتی داریم که دست اش در جیب خود است، ما هم سر سفره آن نشستیم. هست یا نیست بالاخره با هم می سازیم. به نظرم می رسد که این فاصله را

هدف‌گیری کنیم. این را می‌شود به عنوان یک مسئله‌ای که قرار است در این کانال گفتگو برود و بعد با جامعه می‌خواهیم گفتگو کنیم و عناصر فرهنگی‌اش را در نظر بگیریم. من خواهش می‌کنم این است که موضوع را بتوانیم پررنگ کنیم. به لحاظ شکلی هم جلسه قبل، کمتر شکل سخنرانی داشت، ولی به نظر من اطلاعات خوبی در این جمع دریافت شد. این را به عنوان کسی که تا حدی از آب می‌دانم، مطرح می‌کنم. دوستانی که می‌گویند مشارکت کنیم، من الان جزو بدبین‌ترین آدم‌ها درباره مشارکت هستم. خیلی مانع وجود دارد، امتناع دولتی وجود دارد نه در سطح وزیر و وکیل، در سطح آحاد کارگزاران در شهرستان گناباد با دلایل عقلانی و در جامعه محلی هم وجود دارد اصلاً اینطور نیست که در یک سو تشنگانی باشند و در سویه دیگر دولتی که بخواهد ببندد. ما خالصانه اصرار می‌کنیم که کشاورزان پای کار بیایند. یازده بار اس ام اس می‌دهیم و دعوت‌نامه می‌فرستیم، ولی نمی‌آیند. کشاورز عقلانی عمل می‌کند. به نظر می‌آید که باید حول و حوش این مسائل گشت تا شاید یک قدم مهمی جلو ببریم.

دکتر فاضلی:

به نظر من هم، با بحث مشارکت در جامعه ایران، یک مقدار ساده‌انگارانه برخورد شده و من هم به ایشان نزدیک هستم و جاهای مختلف تجربه کردم. نکته کلیدی حرف شما، عملکرد عقلانی کشاورز است. یعنی اگر حتی مشارکت نمی‌کند به نظر من از سر بی‌خردی‌اش نیست، بقیه جامعه هم همینطور است. کما اینکه در مسئله عدم انصراف از یارانه‌ها، موجی شروع شد که گفتند این ملت ایران همراه نیستند، ملت دوست نیستند. گفتم شما تو سوییس هم بگوئید ماهی ۴۰ یورو به شما می‌دهند و هیچ کس هم چک نمی‌کند و هیچ کس هم قادر نیست چک کند آنها هم این کار را انجام می‌دهند و آدم‌ها همیشه نفع‌جو هستند، این نکته که از سر خردورزی اینکار را انجام می‌دهند نکته مهمی است.

سرکار خانم غلامی از روزنامه فرصت امروز

فکر کنم از ابتدای نشست تا الان جزو معدود روزنامه‌نگار و خبرنگاری باشم که در این جمع حاضر می‌شوم. از نشست اولی که برگزار شد کما اینکه دکتر آشنا هم حضور داشتند و صحبت‌هایی که شد متأسفانه باز هم یکطرفه بود فکر می‌کنم و به بسیاری از سوالات خبرنگاران از جمله من پاسخ داده نشد و به جلسات بعدی و نشست‌های تخصصی و میزگردهای تخصصی ارجاع شد. مسئله بعدی این است که در این نشست‌ها که برگزار شد طبق

برنامه‌ای که ارائه داده بودند شما صحبت از مشارکت مردم می‌کنید، مردم نماینده‌هایی برای خودشان انتخاب می‌کنند. اینها نماینده مجلس‌اند هیچ کشاورزی نمی‌تواند بلند شود و اینجا بیاید و از حق و حقوق از دست رفته‌اش دفاع کند. دوم سمن‌ها هستند که در این زمینه فعالیت دارند. آنروز اعتراض کردم که چرا هیچ نماینده‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد به ویژه در بخش کشاورزی وجود ندارد. در کل نشست‌هایی که برنامه‌اش را ارائه دادید حضور ندارند و متأسفانه یا شوربختانه ما می‌بینیم که در نشست‌های شما، کسانی که هدایت این نشست‌ها را برعهده دارند یا دولتی هستند یا شبه دولتی، یعنی کارشناسان و صاحب نظرانی که دعوت می‌شوند همه دولتی هستند یا قبل از این دولتی بودند یا از شرکت‌های شبه دولتی مثل مه‌اب قدس که خود مدیریت سازه‌ای را برعهده دارند و یکی از مسائل و مشکلاتی که الان بحران آب با آن مواجه هست همان مدیریت سازه‌ای غلطی است که از چهل سال گذشته بر این منطقه حاکم بوده است، من از خدمت آقای مهندس جهانی و مهندس اسفندیاری می‌خواهم که توضیح بفرمایند چرا در این نشست‌ها مبحثی به اسم تبخیر میلیاردها متر مکعب آب پشت سدها بیان نمی‌شود و گلابیه مندم از استاد عزیزم جناب آقای شریعتمدار با توجه به اینکه وزارت نیرو اطلاعات و آماری که در سال‌های گذشته بابت سدها ارائه داده، اینکه همان شصت و خورده‌ای درصد سهم آب کشاورزی است، ولی تو این نشست‌ها همچنان ۹۲٪ و بیش از اینها اعلام می‌شود، در حالی که کشاورزان هیچ دفاعی از خودشان ندارند و حداقل انتظار من از آقای شریعتمدار این بود که امروز دفاعی از کشاورزهای عزیز انجام می‌دادند ولی متأسفانه ایشان هم هیچ صحبتی نکردند.

دکتر فاضلی:

ما جلساتمان را بر اساس مسیر پیشنهادها تا انتها چیده باشیم نه اینکه از الان گفته باشیم که در ۱۴ اسفند هم چه کسی سخنرانی می‌کند. بنابراین چون قرار است برنامه‌ها منعطف باشد و بر اساس پروپوزال‌ها و بر اساس نماینده‌ها و بر اساس کسانی که به گفتگو می‌پیوندند.

خانم غلامی:

ولی این روال که تغییری نکرده است. یک چیزی که در زمینه آب در کشور یادمان افتاد، تنها دو نفر هستند که کتاب نوشتند و ترجمه نکردند، ولی باز هم هیچ حضوری از دکتر خسروی و خانم ظفرنژاد نیست. بخش رسانه این انتظار را داشت که حضور داشته باشند.

دکتر فاضلی:

ما یک بانک اطلاعات از کلیه نخبگان دولتی، غیردولتی و سمن‌ها داریم تهیه می‌کنیم. من خدمت همه آنها، شخصا نامه می‌نویسم که به این جمع بپیوندند. ما می‌توانستیم ۱۴ تا نشست را هر هفته برگزار کنیم. اصلا برامون مشکلی ندارد، ولی در مهرماه یک جلسه برگزار کردیم، و آبان حداکثر ۲ جلسه برگزار می‌کنیم. در حالیکه می‌بایست هر ماه دو جلسه برگزار می‌کردیم، ولی دلیل کند کردن این است که در حرکت‌های اولیه هم کسانی این را بشناسند و به این گفتگوها بپیوندند و ما مسیرمان رو اصلاح کنیم و آن بانک اطلاعات مربوط به متخصصان حوزه آب را شناسایی کنیم. من این را به شما قول شخصی می‌دهم که مرکز بررسی‌ها خدمت همه سمن‌های حوزه آب، همه متخصص‌های حوزه آب، نامه خواهد نوشت و درخواست خواهد کرد که به این گفتگوها بپیوندند. آقای دکتر انصاری هفته پیش از مشهد آمدند و اعتراض کردند که همه این حرفهایی که می‌زنید... گفتم که شما فقط ۲۵۰ کلمه از آقای دکتر کوثر تا خانم ظفرنژاد و هر کس دیگری، فقط ۲۵۰ کلمه، خلاصه برای ما بنویسید که ما بدانیم که ۵۰ نفر متقاضی شرکت در این گفتگوها هستند و ما برایشان این امکان را فراهم خواهیم کرد. اصلا حذفی در کار نیست. من خودم از خانم ظفرنژاد دعوت کردم و آمدند صحبت‌هایشان را ارائه کردند، متن آن نیز در یک نشستی که آقای مهندس جهانی، آقای فرور و آقای کوثر در ۱۷ اسفند ۹۲ بودند، تهیه شده است. ایشان چون ناراحتی داشتند، گفتن شما در فضا پیش ما بیاید، از ایشان هم متن گرفتیم و در سایت ما شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی منتشر کنیم. ولی من اطمینان خاطر می‌دهم که هیچ حذفی وجود ندارد. هر چهار نهاد برگزارکننده این نشست‌ها به دنبال همه متخصص‌های آب کشور برایشان دعوت رسمی می‌فرستیم، فقط فضا باید به گونه‌ای باشد که رسانه‌ها هم دنبال کنند تا این ارتباط شکل بگیرد

از حضار (آقای رضا میرزایی)

آیا مشکلات آبی و مسائل زیست محیطی باید دعوتی باشند، یعنی اگر کسی در حوزه آب کار کرد باید اینقدر بنشیند تا دعوت اش کنند؟! یعنی این حساسیت وجود دارد و اگر فکر می کند اینها مردم اش هستند و دچار بی آبی شدند و از دست ایشان کاری برمی آید و در یک مجموعه ای هزینه می شود و کار و انرژی گذاشته می شود، باید با کله بیاید. مگه برای ما دعوت نامه فرستادند. همه در جای خودش تخصص دارند، اما اینکه آدم نقش اشرافیت بگیرد، یک موضوع اجتماعی است و من فکر می کنم که ما خیلی خیلی مشکل داریم.

دکتر فاضلی:

البته ما به عنوان نهاد دولتی وظیفه داریم که از همه بخواهیم و درخواست کمک بکنیم و حتما اینکار را خواهیم کرد.

از حضار:

درباره گفتگو یک پلتفرمی را هم توافق کنیم. چون من نگرانم. برای اینکه ما خیلی کم حرف زدیم و یک دفعه مبانی این جلسات را دانسته و ندانسته نشانه نگیریم. چون اوضاع به قدر کافی مشکل دار هست و من می دانم که اینجا با چه شرایط سختی فراهم شده است. یک مقدار باید روی چارچوب و قواعد گفتگو هم صحبت کنیم. هفته پیش شاهد بودیم که برخی از دوستان خیلی بی پروا حمله می کردند که در واقع، مانع از گفتگو می شوند و از انگیزه ها کم می کنند. بر روی این باید کمی حساسیت داشته باشیم.

مهندس محمدپور:

موضوع مشارکت که فرمودید دارای پیچیدگی های خاص خود است و من هم تایید می کنم. نظام کشاورزی ما متأسفانه به عنوان یک باور این طور برخورد می کند که دولت همه جا باید سرمایه گذاری کند. دو تا مثال برای شما بزنم. در قانون برنامه سوم و چهارم یا دوم و سوم ۲ تا ماده بود تحت عنوان تبصره ۷۶ یکی ماده ۱۰۶، من نقل به مضمون می کنم، این مصوبه قانونی می گفت که برای اجرای شبکه های آبیاری زهکشی در اراضی خصوصی اشخاص، و نه اراضی عمومی یا دولتی، اگر ۳۰ درصد کشاورز مشارکت کنند، دولت ۷۰ درصد اعتبار مورد نیاز اجرای آن شبکه را پرداخت می کند و این دو تا ماده و تبصره به دلیل عدم مشارکت مردم در بخش ۳۰ درصدی در

اراضی شخصی خودشان، کاملاً ناموفق بودند. این یعنی عادت کردن این سیستم به اعتبارات دولتی و بنابراین واقعا فرایند سختی است. منتهی از آن طرف هم استنباط ما این است که اگر ذینفعان را در این تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دخیل نکنیم پروسه تصمیم‌گیری در مدیریت منابع آب احتمالا مختل باقی بماند، کما اینکه این اتفاق‌ها تا الان رخ داده است. این یک پارادوکس است و بالاخره یک طوری باید حل و فصل شود. نمونه بارز حل این موضوع کشور ژاپن هست که به خوبی توانسته کشاورزان خود را در تصمیم‌گیری‌های خود دخالت بدهد و اگر نیاز به مشارکت تصمیم‌گیری و مشارکت مالی وجود داشته باشد، بیایند و دور یک میز بنشینند. کشور ژاپن تا به امروز یک دوره حدود ۳۰ ساله را طی کرده که می‌گوید من مشارکت کشاورزانم را دارم. ولی استنباط ما این است که تا الان کشور ما یعنی مدیریت عالی کشور روی این موضوع متمرکز نشده است. یعنی هنوز کلید نخورده و هنوز اختلاف نظر و شکاف بسیار واقعی وجود دارد. اعتقاد ما بر این است که این باید یک جایی شروع شود. ممکن است ۳۰ سال زودتر یا ۳۰ سال دیرتر انجام دهیم، ولی باید در آن مدار قرار بگیریم تا به هدف اصلی خود برسیم. هدف اصلی ما به نظر من تامین آب نسل آینده ایران است. اینکه بحران داریم یا نداریم، خشکسالی هست یا نیست، اینکه در روزنامه می‌نویسند آب تهران دو روز دیگر قطع می‌شود یا نمی‌شود، به نظر من، موضوع اصلی نیست، بلکه اصل موضوع پایدار نگه داشتن کشور ایران و تامین آب نسل آینده ایران است. ادامه این روند، تامین آب برای نسل آینده را بسیار مبهم و شرایط را بسیار سخت می‌کند. اگر امروز اقدامات پیشگیرانه صورت نگیرد، شرایط نسل آینده برای تامین آب مشکل خواهد بود. به همین دلیل سناریوهای مختلفی دارد تنظیم می‌شود. یک. با وضع موجود، دو. اگر به ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت برسیم، این آب را چه طور تقسیم کنیم؟ سه. اگر هدف ما رسیدن به قدرت اول اقتصادی منطقه باشد، این آب را به چه وضعی تسهیم و تقسیم کنیم؟ روی اینها باید اتفاق نظری صورت بگیرد که ما یا وضع موجود را می‌خواهیم یا ۱۵۰ میلیون نفر آدم را می‌خواهیم و یا اینکه می‌خواهیم نفر اول قدرت منطقه باشیم. اینها سناریوهایی است که هنوز روی آنها، انسجام مدیریتی وجود ندارد. به همین دلیل هم متولیان آب یک کمی سردرگم هستند. من دو تا مثال عددی خدمت شما بزنم. امروز ارزش آوری هر متر مکعب آب در بخش کشاورزی در کشور ایران ۱۸ سنت است. این رقم در کشور چین ۳،۶۵ دلار است. در شرایطی که در تولید کیوی هر متر مکعب آب نزدیک به ۶ دلار ارزش آوری دارد، ولی متوسط هر متر مکعب آب ارزش آوری اش در کشور ایران ۱۸ سنت هست. سخن ما این است که امروز اگر قرار است که اشتغال کشور را تقویت کنیم و به قطب

اقتصادی اول منطقه تبدیل شویم، باید نه سطح زیرکشت، بلکه سهم آب کشاورزی را پایین بیاوریم و سهم آب صنعت را بالا ببریم. مثال دوم اینکه، ترنووول کسب و کار کشاورزی در کل کره زمین ۲۰ درصد اقتصاد کره زمین را تشکیل می دهد. ۸۰ درصد را بخش های دیگر تامین می کنند. بنابراین کشورهای درجه یکی مثل امریکا یا اسپانیا به این نتیجه رسیدند که بسیاری از محصولات پر آب بر را از خارج وارد کنند و محصولات کم آب بر را در داخل تولید کنند، الان تمام هندوانه کشورهای جنوبی خلیج فارس را ما تولید می کنیم، چقدر آب داریم مصرف می کنیم و چه ارزی را بابت این وارد می کنیم. اینها سیاست هایی است که باید روی آنها تمرکز کرد. فکر می کنیم که اگر این مشارکت جمعی و یک خرد جمعی با حضور ذینفعان صورت بگیرد سیاست هایی که تدوین خواهد شد برای تامین آب نسل آینده، سیاستهای پخته تری خواهد بود.

مهندس جهانی:

درست است که عنوانی که برای این جلسه انتخاب شده، عنوانی کلی تحت عنوان آب، فرهنگ و جامعه است، ولی در اینجا و در این جلسه تاکید بر آسیب شناسی عملکرد بخش آب در گذشته بوده است. بنابراین صحبت ها و سخنرانی هایی که تهیه شد معطوف به این موضوع بوده که چه آسیب ها و چه موانع و چه مشکلاتی در مورد عملکرد آب وجود داشته است. به طور مثال اشاره به اسناد ریودوژانیرو نه بابت این است که پز این را بدهیم که مثلا یک کسی راجع به اسناد بین المللی چیزی می داند، بلکه برای این است که ما تعهد کردیم در این اسناد کارهایی را انجام دهیم و آن کارها را نکردیم و آسیب شناسی اش هم در اینجا ارائه شد. بنده انتظاری که داشته و دارم این است که علی رغم اینکه مسائل آب زیاد است و خیلی هم زیاد است (از جمله مسئله تبخیر، مسئله سدسازی، مسئله سازه ای، مشارکت زنان، مشارکت جامعه و ...) ولی اگر قرار باشد که در یک نشست ما به همه این مسائل وارد شویم تنها به یک اقیانوسی تبدیل می شویم که عمق آن یک میلیمتر است. من در اینجا که اعضای محترم پانل، یک ارزیابی از عملکرد ارائه کردند و یک راهکارهایی هم ارائه کردند، انتظار داشتم که برای اینکه واقعا بتوانیم ارتباط را با همدیگر برقرار کنیم، دوستان بگویند که آنچه شما راجع به عملکرد گفتید، اشتباه است و یا این راهکاری که شما پیشنهاد کردید ما را به جایی نمی رساند. تا اینکه ما بتوانیم از موضوع این جلسه به یک جمع بندی برسیم والا اگر راجع به مسائل تبخیر آب از مخازن سدها بخواهیم صحبت کنیم ممکن است ده ها جلسه درباره آن صحبت کنیم.

من خواهش این است که برای اینکه بتوانیم موثر باشیم، حتماً در جلسات بعدی، راجع به موضوع، نماینده ای هم از رسانه ها بیاید و در پانل قرار بگیرد و یک بار هم دیدگاه های ایشان مطرح شود. ولی مهم ترین مسئله این است که اگر ما بخواهیم واقعا راجع به این نشست ها نتیجه ای بگیریم، مطلوب است که راجع به همان موضوعی که در جلسه صحبت شده، هم انتقاد کنیم و هم پیشنهاد، تا اینکه بتوانیم به یک همگرایی برسیم و حداقل چندجمله ای در بیاید که برای سیاست گذاری های آینده مورد استفاده قرار بگیرد.

از حضار (آقای برای)

اگر قرار است ما اظهار نظر کنیم، متأسفانه وقتی به ما داده نمی شود. شما الان هر نفری، یک میکروفون در مقابل خود دارید ولی اینجا یک میکروفون نیست. به طوری که اگر کسی قرار است اظهار نظر کند یا باید داد بزند و یا به نحو موثری مطالب را نمی تواند منتقل کند. اینجا دانشگاه تهران است، وقتی که دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران را به عنوان محل ارائه این پانل انتخاب کردید، مفهوم اش برای من مخاطب این است که خواستید به فتوای خودتان، رنگ و لعاب علمی ببخشید، و گرنه می توانستید همین بحث ها را در مرکز بررسی های ریاست جمهوری داشته باشید. ولی متأسفانه من می بینم که (نمی دونم بنا به چه دلایلی) بحث هایی که ارائه شد به لحاظ مبانی روشی و علمی دارای استانداردهای خاصی که در سطح دانشگاه تهران باشند، نیست. آقای جهانی اشاره کردند که بحث ما آسیب شناسی بخش آب در گذشته است یعنی پاتولوژی و قرار است که ۱۴ جلسه دیگر این بحث ها را ادامه دهیم. بنابراین جا داشت که شما ۵ جلسه اختصاص می دادید به این که آسیب یعنی چه؟ آقای فاضلی اشاره کردند که آقای دکتر فلانی که ایراد می گیرند که شما هر چیزی را به آن یک جامعه شناسی اضافه می کنید و می چسبانید و مثلاً می شود جامعه شناسی محیط زیست، درست است. الان می گوید آسیب شناسی بخش آب، در حالیکه از نگاه علمی می آیم و پاتولوژی را مورد تفسیر قرار می دهیم. هیچ کدام از بحث هایی که ارائه شد در قالب پاتولوژی مطرح نشد. بخشی از آن، تراوشات ذهنی ارائه کنندگان بود، بخشی بیشتر به ذکر مصیبت شبیه بود و بخشی هم گزارش توصیفی از مشکل بود. در حالیکه ما وقتی آسیب شناسی را مورد واکاوی قرار می دهیم، از شما انتظار می رود که مدلی را همچون مدل مفهومی ارائه می دادید و می فرمودید که بر اساس این مدل (که یا مال خودم هست یا مدل آقای فلانی

است) آمده‌ام و مشکل بخش آب را در کشور تحلیل کرده‌ام. یعنی آسیب‌ها این است، علل این آسیب‌ها این است و پیامدهای ناشی از آسیب‌ها این است. که این در هیچ کدام از بحث‌ها نبود.

بحث دوم این است که خیلی از متولیان بخش اجرایی دوست دارند حرف بزنند و خیلی دوست دارند گوینده باشند و هیچ وقت عادت نکرده‌اند شنونده باشند. اکثر دوستانی که اینجا بودند و رفتند دوست داشتند در بحث‌ها مشارکت کنند، در حالیکه برخی از سخنرانان اشاره می‌کنند به مردم، مشارکت و غیره و مثال می‌زنند و می‌پرسند که مشکل ما در بخش آب چیست و چگونه می‌توانیم حل‌اش کنیم. مشکل همین چیزهاست که ما به آنها توجه نمی‌کنیم. من به نظرم می‌رسد که شما طی ۲-۳ پانل آینده، بحث مسئله و مشکل آب را به لحاظ شکل شناخت‌شناسی و به لحاظ هستی‌شناسی و به لحاظ روش‌شناسی کالبد شکافی کنید و ببینید علت‌ها چیست و پیامدهای‌شان چه چیزهایی است. هر کسی که اینجا می‌خواهد سخنرانی کند شما قبلاً یک خلاصه‌ای از آن داشته باشید که از مدل و بحث شما خارج نشود. شما باید پیش از نشست، حین نشست و پس از نشست پانل‌ها را به گونه‌ای مدیریت کنید که هر کسی نیاید به زعم خود و بر اساس تراوشات خود حرف بزند. ما چون رویکردهای مختلفی در فلسفه علم داریم، رویکرد اثبات‌گرایی، رویکرد ابطال‌گرایی و غیره، که رویکرد ابطال‌گرایی می‌گوید که هر چیزی که قابل ابطال‌سازی نباشد، علم نیست بنابراین ما اگر نگاه و رویکرد واکنشی به نقدی که علیه ماست، از خود نشان می‌دهیم در واقع اثبات می‌کنیم که چیزی که ارائه کردیم علم نیست. بنابراین خواهش می‌کنم که واکنشی رفتار نکنیم و در جلسات بعد این موارد را اصلاح کنیم.

فقط یک نکته‌ای بگویم: سوال می‌شود که مشکل کجاست و ما باید چکار کنیم. من با متدولوژی سیستم دینامیک کل مسئله توسعه در ایران را مدل کردم و خیلی جالب است که وقتی من مدل‌هایم را آنالیز حساسیت می‌کنم و وقتی وزارت نیرو را از مدل حذف می‌کنم سایر شاخص‌هایم رشد می‌کند و وقتی سازمان محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها را حذف می‌کنم، شاخص‌های دیگر مثل سرانه جنگل در ایران رشد می‌کنند. این نشان می‌دهد که دولت و وزارت نیرو و وزارت جهاد و سازمان جنگل‌ها و سازمان محیط‌زیست خود عامل توسعه نیافتگی و افت توسعه در کشور هستند. برای مثال، رودخانه سرداب‌رود در کلاردشت جزو ۶ رودخانه حفاظت شده ایران است که ۴۰۰ متر از طرفین حریم کیفی و ۵۰ متر حریم کمی دارد. در کلاردشت به یک رانت خوار جواز داده می‌شود تا دقیقاً در داخل

رودخانه سردابروود کارخانه شن و ماسه احداث کند. بعد اینجا می‌آییم و می‌گوییم که مشکل ما چیست؟ ما حتماً باید یخچال‌های علم کوه، یخچال هزارچال، یخچال اسپیلت و یخچال هفت خان سکوت کنند و بعد که به بحران تبدیل شد می‌آییم پانل می‌گذاریم. اینکه از قبل دوراندیشی کنیم و تدبیر کنیم که چکار کنیم که یخچال‌های منطقه علم چال چگونه مراقبت کنیم.

یکی از پدیده‌هایی است که در انتهای قرن ۲۱ رخ خواهد داد پدیده یکجانشینی خواهد بود، یعنی آدم‌های کره زمین سعی می‌کنند به جاهایی مثل کلاردشت یا علم کوه که آب بیشتری دارند و یخچال‌های دائمی دارند هجوم بیاورند و آنجا ساکن شوند، حتماً باید دریاچه ارومیه معضل شود، زاینده‌رود معضل شود و بعد بیاییم و پانل بگذاریم. بنابراین من فکر می‌کنم که شما اگر بخش دولتی بیشتر شنونده باشید و سمن‌ها، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها گوینده و منتقد باشند و ما ظرفیت نقد را در خودمان بالا ببریم، وضعیت بهتر خواهد شد. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری هر وقت توانست مرا پیدا کند، فلانی را پیدا کند، یک سامانه منسجمی را تشکیل بدهد و افراد متخصص و دلسوز و کنشگر توسعه را پیدا کند، آن وقت می‌تواند موفق باشد. بنده مدیر عامل بنیاد توسعه پایدار ایران هستم. این بنیاد ۱۰ سال در سطح محلی در سطح کلاردشت به عنوان بنیاد توسعه پایدار کلاردشت بوده و از اردیبهشت ۹۳ توانسته ۶۰ نفر از برجسته‌ترین صاحب نظران توسعه را در کشور جذب کند و در سطح کشور خود را ارتقا دهد.

دکتر فاضلی:

اینکه احتیاج است باهم گفتگو کنیم یا اینکه مکانیسم گفتگوی ما کماکان مشکل دارد، می‌پذیریم. اما افرادی که اینجا نشستند از جهت شأن دولتی دعوت نشدند. من تعمداً در جلسه اول این نشست‌ها نیامدم و دوستان می‌توانند شهادت بدهند که مرکز بررسی‌های استراتژیک در جلسه اول هیچ نماینده‌ای نداشت. امروز هم چون به جلسه اول نقد شد من آمدم که نقدها را بشنوم و مکانیزم‌هایش را بهبود بدهیم و ایده بدهیم. ما ۱۴ نشست بیشتر نداریم و در مجموع این ۱۴ هم به همه خواهیم گفت و همه را دعوت به این گفتگوها می‌کنیم. اما ظرفیت اطلاع‌رسانی این کشور اگر بیش از این نیست، آن تقصیر ما نیست. در اولین جلسه ۵۵ نفر خبرنگار نشستند و ما ۳ ساعت اهداف این نشست‌ها یعنی ۱۴ تا نشست و مجموع کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم را توضیح دادیم. یعنی تقریباً تمام

روزنامه‌های مهم و سایت‌های مهم روز دوشنبه بودند و ما تقریباً به همه سایتها و روزنامه‌های مهم فکس کردیم و گفتیم که این نشست اینجا برگزار می‌شود. حالا اگر در فضای رسانه‌ای ما هیچ روزنامه‌ای یک صفحه اختصاصی محیط زیست ندارد ولی یک صفحه اختصاصی شوک و فوتبال و ... دارند تقصیر ما نیست.

نکته دیگر اینکه یک سامانه تحت عنوان شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی طراحی شده و هدف این شبکه دقیقاً برای این است که هر محققى در کشور بتواند آنجا رزومه‌اش را با مشخصات کامل ارائه کند. مجری پروژه‌ای که نخبگان کشور را شناسایی می‌کند، در این نشست حضور دارد. تا همین الان ۵۹۰۰ نفر را شناسایی کرده است. مرکز بررسی‌ها یک پروژه بزرگتر طراحی کرده و آن اینکه، نخبه‌های ایرانی خارج از کشور را شناسایی می‌کنیم و اگر اینجا داریم برگزار می‌کنیم آقای اسفندیاری در جریان هستند ما یکی از چهار تا نهاد هستیم.

نکته دوم اینکه من شخصاً در این یک سال اخیر بالای ۳۰ تا نشست غیررسانه‌ای محرمانه در موضوعات مختلف در مرکز بررسی‌ها برگزار کرده‌ام. اینکه به دانشگاه آوردیم اصلاً هدفمان همین است که بیاید در دانشگاه بحث شود. ولی اگر مکانیزم ما مشکل دارد قبول می‌کنم، ولی از اعضای پانل هم فقط دو نفر دولتی هستند. من که عضو پانل نیستم، امروز هم برای این آمدم که مکانیزمی را طراحی کنیم. برای اینکه به من گفتند که در جلسات اندیشکده‌های امریکایی، این تجربه مناسبی است که یک نفر همه سوالات را می‌گیرد و جمع‌بندی می‌کند و در ۴-۵ تا سوالی که جمع‌بندی سوالات هست می‌گوید و این باعث می‌شود که ۳۰ نفر سوال نپرسند و ما اینجا آمدمیم که این را تست کنیم. متأسفانه ۷ تا سوال آمد که از اینها ۳ مورد بی ربط بود، ۲ مورد نوشته بودند که قصد دارند شفاهی بپرسند و ۳ سوال باقی ماند که از دوستان پرسیدم و دوستان جواب دادند. یعنی مدل شکست خورد. حتماً آنجا یک فرهنگ خاصی از این مدل وجود دارد که می‌شود این کار را انجام داد. شکل اینجا اگر مثلاً مثل پارلمان انگلیس بود که یک عده پایین بودند و تماشاگرها بالا بودند و ۱۰ نفر گفتگو می‌کردند و بقیه نگاه می‌کردند خوب بود.